



ارکان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۲۹  
چهارشنبه ۱۹ شهریور ۱۳۵۹، بهار ۱۵۰ ریال

# وحدت - بخاطر استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی

و در سطحی درخورد این درک و فهم پیش نمی‌رود و علت این کنده هم اکثراً ریشه‌های ذهنی دارد. دود این وضع بچشم توده‌های میلیونی مردم، رازگان شهیدای قهرمان انقلاب و چشم‌پسراهان «استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی» می‌رود.

پس از چند هزار و چند صد سال اسارت طغیوت و بردگی استعمار، انقلاب عظیمی در ایران بوقوع پیوسته و ثمره فرخنده آن تکوین و تولد جمهوری اسلامی ایران بوده است. تاریخ سرنوشت این بزرگترین دستاورد مردم ایران را به نهادهای انقلابی و مقامات و زمامداران مسئول و متعهد نظام جمهوری سپرده است. بقیه در صفحه ۸

هجوم و ازهم دریدن جمهوری اسلامی ایران آماده و آماده‌تر میکند.

همگان بر این حقیقت اشراف دارند که، نفاق و کشمکش داخلی و هر پدیده و یا عملی که بوی تفرقه و پراکندگی نیروهای انقلاب از آن بیاید، بسود دشمنان انقلاب و آمریکای در کمین نشسته است. همگان بر این واقعیت‌ها و بسیاری از حقایق دیگر، که از درک کنه انقلاب و منافع واقعی آن ناشی میگردد، واقف هستند. ولی متأسفانه کار با سرعت لازم

می‌کنند که، شمار انقلاب بزرگ ایران عبارت بود از: «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی».

همه مسئولان منگنی بر این اعتراف دارند و در هر فرصت تأیید و تکرار می‌کنند که، راه و وسيله اجرای این شعار، وحدت و یکپارچگی و تقاضای و برادری است.

همگان بر این واقعیت‌ها واقفند که درنده خون آشام امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، در کمین میهن آزاد ما نشسته و هر لحظه خود را برای

شود. (صبح آزادگان، ۱۸ شهریور ۵۹)

حجت‌الاسلام خامنه‌ای: «آرمان شهیدان استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی بود... باید دولت دولتی باشد که بر مردم ثابت کند که بدنبال استقرار آرمان شهیدان می‌باشد.» (صبح آزادگان، ۱۸ شهریور ۵۹)

چنانکه ملاحظه میشود، همه مسئولان منگنی بر این اعتراف دارند و هر روز تأیید و تکرار

رئیس جمهور: «خط امام خط شهیدان ۱۷ شهریور، خط همه شهیدان، خط اسلام و خط توحید و وحدت است... در این جمهوری جز آزاده همکاری نمی‌خواهیم به هدفهای انقلاب اسلامی ایران برسیم.» (جمهوری اسلامی، ۱۸ شهریور ۵۹)

نخست‌وزیر: «با شما شهیدان بیست‌هفت‌ساله می‌بندم که برای حفظ قانون اساسی و استقرار شعار دشمن‌شکن «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» با تمام وجود بکوشم... جو سازندگی می‌بایست جایگزین فضای تخریب و همدستی و همراهی و هم‌اعتقادی و هم‌منگنی می‌بایست جایگزین نفاق و تظاهر و تخریب

## دو سالگرد درگذشت مجاهد نستوه آیت‌الله طالقانی خواست او را عملی کنیم: اتحاد همه نیروهای خلق علیه امپریالیسم آمریکا

\* حزب توده ایران فقدان آیت‌الله طالقانی یکی از درخشان‌ترین چهره‌های ضد امپریالیستی و ضد استبدادی میهن ما را به رهبر انقلاب، مردم ایران و خانواده آن مجاهد بزرگ صمیمانه تسلیت می‌گوید.



یکسال از درگذشت یکی از درخشان‌ترین چهره‌های معاصر میهن ما میگذرد. سال پیش در چنین روزی، مجاهد نستوه حضرت آیت‌الله طالقانی چشمان خویش را بر این جهان بست و توده‌های میلیونی وطن ما را، که در چهره او یک مبارز آشتی‌ناپذیر ضد استبدادی و ضد امپریالیستی را می‌دیدند به سوگ نشاند.

مجاهد نستوه، طالقانی بزرگ، همه زندگی خویش را صرف مبارزه با استبداد و امپریالیسم کرد. در سیاه‌ترین ادوار تاریخ ایران، این مجاهد خستگی‌ناپذیر، علیه ظلم و ستم رژیم پهلوی رزمید و بارها با بدست دشمنان شاه سابق اسیر شد و به گوشه‌های نمناک و تاریک «اربن» و «آناک» شکنجه «کمیت» برده شد. رسم تسلیم طالقانی را طلب می‌کرد و او با قلبی که از عشق خلق و کینه به دشمنان خلق پیوسته مالا مال بود، بر اعتقاد خویش پای فشرد.

هنگامیکه انقلاب بزرگ ایران بساط رژیم پهلوی را از خاک کین‌مومی‌روید، آیت‌الله طالقانی در زندان بود. سرانجام مجاهد نستوه همراه زندانیان دیگر آزاد شد و توده‌ها با استقبال بی‌نظیری، بازگشت او را به قلب چینه‌نبرد تهنیت گفتند. از این پس آیت‌الله طالقانی دست در دست رهبر انقلاب، امام خمینی، به بسیم توده‌ها پرداخت و بر دوش بی‌امان علیه رژیم پهلوی را سازمان داد.

مردم ما، هرگز آن قامت نحیف را فراموش نمی‌کنند که بیاس شعله عظیمی که از عشق در روحش می‌جوشید، راه‌یمنانی روز تاسوعای سال ۵۸ را سازمان داد و علیرغم تهدیدهای اویمی جلاد اعلام کرد که خودش پیشاپیش همه به‌رامیمنانی خواهد پرداخت. آن روز می‌دانوی در انقلاب ایران شد و اولین راه‌یمنانی چند ده میلیونی در وطن ما برقرار گردید. بعد از پیروزی انقلاب، وقتی

و نشریات گروهکهای ضدانقلابی که لومیرود، ضدانقلاب مدگرکی هم در این خانه از حزب توده ایران کشف می‌کند و به زور دست‌ما را در دست گروهکهای می‌گذارد که با ما هیچ علقه و پیوندی ندارند که هیچ، بلکه از دشمنان سوگند خورده حزب ما هستند.

از روز روشن‌تر است که حزب توده ایران، که از آغاز بنا به تحلیل‌های مشخص خود، از نظام جمهوری اسلامی، با صداتنی‌بیکر و بی‌مانند و با تمام توان انقلابی خود پشتیبانی کرده است، علیه نظام جمهوری اسلامی اعلامیه صادر نمی‌کند، و اگر وجود چنین اعلامیه‌ای ادعا شود، مسلماً جعل و دروغ و ساخته دست ضدانقلاب است.

از روز روشن‌تر است که حزب توده ایران نیازی به داشتن خانه تیمی ندارد، زیرا «خانه تیمی» از نیازمندیهای فعالیت مخفی است و حزب ما حزبی استعلنی و قانونی، که در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فعالیت میکند. دفاتر حزب ما در تهران و شهرستانها، مراکز رسمی و علنی و قانونی هستند و آدرسهای مشخص و معلوم دارند. نامه «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران دارای امتیاز مصوب از وزارت ارشاد ملی است، و حزبی و روزنامه‌ای که علنی و قانونی است، نه به خانه تیمی نیاز دارد و نه به پخش اعلامیه مخفی.

مردم ما، هرگز آن قامت نحیف را فراموش نمی‌کنند که بیاس شعله عظیمی که از عشق در روحش می‌جوشید، راه‌یمنانی روز تاسوعای سال ۵۸ را سازمان داد و علیرغم تهدیدهای اویمی جلاد اعلام کرد که خودش پیشاپیش همه به‌رامیمنانی خواهد پرداخت. آن روز می‌دانوی در انقلاب ایران شد و اولین راه‌یمنانی چند ده میلیونی در وطن ما برقرار گردید. بعد از پیروزی انقلاب، وقتی

مجاهد نستوه، طالقانی بزرگ، همه زندگی خویش را صرف مبارزه با استبداد و امپریالیسم کرد. در سیاه‌ترین ادوار تاریخ ایران، این مجاهد خستگی‌ناپذیر، علیه ظلم و ستم رژیم پهلوی رزمید و بارها با بدست دشمنان شاه سابق اسیر شد و به گوشه‌های نمناک و تاریک «اربن» و «آناک» شکنجه «کمیت» برده شد. رسم تسلیم طالقانی را طلب می‌کرد و او با قلبی که از عشق خلق و کینه به دشمنان خلق پیوسته مالا مال بود، بر اعتقاد خویش پای فشرد.

## مردم را بدانام نکنید مردم خواهان نظم انقلابی هستند

مرح-لند نرسک و تفتین علیه حزب توده ایران، از سوی ضدانقلاب توطئه‌گر، خیز برداشته است. حمله به دفاتر حزب، علیرغم اعلامیه دادستان کل کشور، بیانات رئیس‌جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی، رئیس دیوان عالی کشور، حجت‌الاسلام خامنه‌ای امام جمعه تهران و عده‌ای از نمایندگان مجلس شورای اسلامی ادامه دارد. آخرین هجوم به دفاتر حزب ما در «کردکوی» بوده که ۴۰ روز پس از انتشار اعلامیه دادستان کل کشور انجام شده است و کسی نیست که از این دست‌های مشکوک آشوبگر، که متأسفانه گاه به آسان‌عنوان «مردم» داده میشود، سؤال کند که: شما که هستید، از کجا آمده‌اید، از کدام قانون تبعیت میکنید، زیر علم که سینه‌میزنید و از چه مرجع مسئول و یا غیر مسئولی حرف‌شنوی دارید؟ چرا اعلامیه یکی از عالیترین مراجع قضائی کشور را زیرپایماندازید و چرا سخنان مسئولین مهم دولتی و نمایندگان برگزیده مردم را نشنیده میکنید؟

ضدانقلاب تنها به هجوم و اشغال مراکز حزب توده ایران و تخریب کتابفروشی‌های ما بسنده نمی‌کنند، بلکه هر چاپخانه‌ای که در جستجوی نشریات ضدانقلابی مورد تجسس قرار بگیرد، دست‌خدا انقلاب یک «اعلامیه» جعلی را «کشف» می‌کند و به حزب توده ایران نسبت میدهد. هر خانه تیمی مرکز سلاح

از روز روشن‌تر است که حزب توده ایران نیازی به داشتن خانه تیمی ندارد، زیرا «خانه تیمی» از نیازمندیهای فعالیت مخفی است و حزب ما حزبی استعلنی و قانونی، که در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فعالیت میکند. دفاتر حزب ما در تهران و شهرستانها، مراکز رسمی و علنی و قانونی هستند و آدرسهای مشخص و معلوم دارند. نامه «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران دارای امتیاز مصوب از وزارت ارشاد ملی است، و حزبی و روزنامه‌ای که علنی و قانونی است، نه به خانه تیمی نیاز دارد و نه به پخش اعلامیه مخفی.

از روز روشن‌تر است که حزب توده ایران نیازی به داشتن خانه تیمی ندارد، زیرا «خانه تیمی» از نیازمندیهای فعالیت مخفی است و حزب ما حزبی استعلنی و قانونی، که در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فعالیت میکند. دفاتر حزب ما در تهران و شهرستانها، مراکز رسمی و علنی و قانونی هستند و آدرسهای مشخص و معلوم دارند. نامه «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران دارای امتیاز مصوب از وزارت ارشاد ملی است، و حزبی و روزنامه‌ای که علنی و قانونی است، نه به خانه تیمی نیاز دارد و نه به پخش اعلامیه مخفی.

**دبیر اول کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان:**

**اعتراض کارگران لهستان علیه اصول سوسیالیسم نیست منبع تشنج در لهستان از بین خواهد رفت**

**جای لهستان در پیمان ورشو تحکیم خواهد شد**

صفحه ۲

رفیق فرانتس موری، صدر حزب کمونیست اطریش در مصاحبه با نامه «مردم»:

**حزب کمونیست اطریش عمیقاً از انقلاب ایران دفاع می‌کند**

\* سفر کریسکی به ایران، در چارچوب وحدت نظر با آمریکا، برای ترمز کردن انقلاب ایران بود. صفحه ۷

**در صفحات بعد**

**تمام تلاشهای امپریالیسم امریکاسر انجام عبت است** صفحه ۲

**بمناسبت شصتمین سالگرد پایه گذاری حزب کمونیست ترکیه** صفحه ۲

**سفیر سابق امریکادر ایران بهمد اخلات امریکادر ایران اعتراف می‌کند** صفحه ۷

**هشدار به مسئولان! هشدار به روشنفکران!** صفحه ۷

**یادداشتی بر فیلم «عروج»: آنها که بومرگ پوزخند می‌زنند!** صفحه ۶

**گزارشی از وضع کارگران نانوائی رامهرمز** صفحه ۴

**ضدانقلاب فعالیت تخریبی خود را در روستاها ادامه می‌دهد** صفحه ۵

از: شرف

دریغ است دریغ است!

برآئید برآئید که شد موسم پیکار برزید برزید که تا خصم شود خوار اریں راه نه رفتید صمی باز تکرید

مردم را بدنام ...

بقیه از صفحه ۱

با این وجود، این دستهای مشوک بترس دارند، به دور حزب ما، همه ابهام بوجود آورند، وضعی مرا از حزب ما رسانال میکنند، بیعی همه از اسناد واقعی، که دل بر وفاداری حزب ما به انقلاب و نطم، جمهوری اسلامی ایران دارد، سخن توینده، چینی وانمود میدند که گویا مدارک مهمی، لشف کرده اند، که از توطئه ها، حزب ما علیه جمهوری حکایت دارد، البته معلوم نیست این اسناد چیست؟ در دست چه کسانی است؟ و چرا ما و مردم از ان بی اطلاع مانده ایم؟

رقفای حزبی! هواداران و دوستداران حزب!

استاد حزبی (اعلامیه ها، بیانیه ها و ... ) منتشره در نامه "مردم" ارگان مرکزی حزب توده ایران را، پس استفاده از تمام امکانات، په وسیع ترین شکل تکثیر کنید و پتوده های مردم پرسیاسید، در شرایط حساس کنونی ایسن یک وظیفه مهم انقلابی است.

دیوار اول کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان:

اعتراض کارگران لهستان علیه اصول سوسیالیسم نیست منبع تشنج در لهستان از بین خواهد رفت جای لهستان در پیمان ورشو محکم خواهد شد

استانیا و کالیای کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان، در ششمین بلنوم کمیته مرکزی سخنران مهمی ایراد کرد. استانیا و کالیای در این جلسه ضمن سپاسگزاری از کمیته مرکزی بخاطر انتخاب وی به مقام دبیر اول کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان، گفت: من وظایف دبیر اول کمیته مرکزی را تحت شرایط و اوضاع و احوال غیر عادی پمیده می گیرم. رفیق گبرگ، که در ده سال گذشته در راس حزب ما بوده بسختی بیمار است و باتوجه به بیماریش، اکنون زمان ان نیست که برآوردی از فعالیت هایش بدست دهیم. اطمینان دارم که این برآوردها عادلانه خواهد بود و اینکه برغم همه چیز، خدمات رفیق گبرگ در روند فعالیت پنجاه ساله اش در جنبش طبقه کارگر، نمی تواند مورد چون و چرا قرار گیرد. ما برای او بپیودی هرچه سریعتر را آرزو می کنیم.

در سالگرد ...

بقیه از صفحه ۱ سخنان تابناک طالقانی بزرگ فراموش نمی کنند که: «هر انقلاب علیه ظلم و استعمار، در هر جای که باشد، همیشه در نظر ما انقلاب اسلامی است.» توده های میلیونی که در رهنمودهای او را برای رسیدن جامعه «عدل و قسط» از یادمان برند، در سالگرد درگذشت مجاهد بزرگ، پاریدیکر خنجر را زنده می دارند و اتحادی را او بران پای میسند، استح می بخشند.

حزب توده ایران در اولی سالروز درگذشت آیت الله طالقانی صمیمانه ترین تسلیت های خود تقدیم رهبر انقلاب، توده های و خانواده آن مجاهد بزرگ می کند. حزب توده ایران بانهایت تاد از فقدان آن مجاهد نستوه شرایط فوق العاده حساس امیرین بر دیگر از همه نیروهای انقلابی سوسی و مسلکی و مذهبی، طلبیه، چنانکه خواست آن مج بزرگ بود، وحدت و یکت را به صفوف خود باز گرداند و این طریق دستاوردهای انقلاب که طالقانی زندگی خویش وقف نمودنش کرد، چشمگیر آینه اش، ما را ترک گفت، گزند شیطان بزرگ، امیریا را خونخوار جهانی، به سرکرد امیریا لیسم آمریکا، محفوظ دار تنها و تنهایی این طریق است که پیروزی قلمی و نهائی انتا ایران تقسیم میشود و آلمان، والای آن مجاهد نستوه می یابد.

تصحیح در متن گزارش مراسم شهریور در بهشت زهرا، یکجا شرکت کنندگان «توده های میلیو ذکر شده و جای دیگر «هزاران» که متأسفانه هر دو اشتباه چاپ است. صحیح آن «دهها هزار» است. با یوزش بدینوسیله تص میشود.

تصحیح در مطلب مربوط به «نامه مردم» شماره ۱۸۰۳۲۸، صفحه ۷، ستون ۳، سطر ۵ نوشته شده است که «نیوزویک» عنوان منبع ذکر نشده، که نیوزویک بعنوان منبع شده است.

توجیه گروهکهای تخریب و ویرانگری، باین عنوان که گویا ایندن «مردم» اند، توین به ارگانهای دولتی و نهادهای انقلابی هم هست. هم اکنون مجلس منتخب مردم وجود دارد. رئیس جمهور منتخب مردم وجود دارد. نخست وزیر قانونی به مجلس معرفی شده و رای اعتماد گرفته است. ارگانهای قضائی نظیر دادگستری و دیوانعالی کشور وجود دارد. بنابراین حفظ نظم و تامین امنیت قضائی مردم، اکنون فقط برعهده این ارگانها و سایر مراجع قانونی است. باز گذاردن دست گروهکهای بی مسؤولیت، که معلوم نیست از کجا سربرآورده اند و به کجا می روند، در تجاوز بحقوق مردم و احزاب، گروهها و سازمانهای انقلابی جانبداری می کنند. مردم خواهان نظم انقلابی اند. حساب مردم را باید از حساب یک گروه ۱۰۰-۱۵۰ نفری، ولگردان بی فرهنگی که چاق به دست به مراکز فعالیت احزاب، گروهها و سازمانهای انقلابی هجوم میبرند و یا مانند زندان شبانه درها را می شکندند و دفاتر احزاب، گروهها و سازمانها و روزنامه ها را اشغال میکنند، جدا کرد.

«مردم» این ۱۰۰-۱۵۰ نفر نیستند. مردم آن توده های میلیونی هستند که نه در ایجاد هر چه مرج ذینفع اند و نه در سرکوب بر دلیل احزاب، سازمانها و گروه های سیاسی وقادار به انقلاب مردم در حفظ انقلاب ذینفع اند، که با اینگونه آشوبگرها مبیانت دارد. مردم حکومت قانون را می خواهند، تا امیریا لیسم آمریکا در جو هر چه و مرج امکان توطئه نیابد.

استانیا و کالیای گفت: «مهمترین وظیفه ما اعاده اطمینان عمومی به قدرت خلق و اعاده اطمینان طبقه کارگر و همه زحمتکشان به حزب است. ما باید پیوندهای نیرومند میان ارگانهای قدرت و مردم را تقسیم کنیم. این پیوندها تضعیف شده و این امر به نارضایی منجر گشته است، پنحوی که پیامدهای خطرناکی دربر خواهد داشت. من از انتقاد از جنبه های مختلف زندگی مان، انتقادی که اغلب دستاوردهای بزرگ و غیرقابل بحث ما را در سیر ساختمان سوسیالیزم در سالهای حکومت خلق، از جمله دستاوردهای ده سال اخیر را زیر سایه قرار می دهد، آگاهم. از این گذشته ما باید از تعاونی های میلیون ها کارگری که دلایل فراوانی برای ناخرسندی داشتند، ولی با از خود گذشتگی کار کردند و در محل های کار خود باقی ماندند، سپاسگزاری کنیم. و این بخاطر تلاش آنهاست که زندگی عادی در کشور ادامه یافته است.»

اشتیباهات جدی در سیاست اقتصادی و زندگی اجتماعی، باعث شد که موج اعتصابها لهستان را فرا گرفت و امروز هم هنوز کاملاً فروکش نکرده است. ما اعتصابها را تجلی ناخرسندی کارگران می دانیم. ولی اعتراض آنها علیه اصول سوسیالیستی و علیه مناسبات ما با متحدان نیست.»

استانیا و کالیای آنگاه گفت: «این اعتراض علیه نقش رهبری کنندة حزب، که تاریخ آنرا به جلو رانده است، نیست. این اعتراض علیه منبها و اشتباهات در سیاست مان بود. بدین دلیل است که گفت و شنود و مذاکره، که با تشکیبای و پیگیری بوسیله رفقای ما انجام شده، به روش اصلی در حل و فصل ستیزهای اجتماعی تبدیل شده است.

در جریان گفت و شنود و مذاکره ما با نمایندگان تعاونی های کارگران، که در بیشتر موسسات و نگاهبها شکل کمیته ها را بخود گرفته اند، درباره مسائل مختلف اجتماعی به توافق هائی دست یافتیم.

ما بویگیری و مداومت برای یافتن منبع تشنج تلاش خواهیم کرد و این منبع را از میان خواهیم برد تا دیگر هرگز یک چنین اوضاع پر تب و تاب ی بوجود نیاید.»

استانیا و کالیای گفت: «با این همه لازم است توجه شویم که مبارزه شما فقط برای اعاده اطمینان طبقه کارگر و زحمتکشان نیست، بلکه همچنان مبارزه ای حاد علیه دشمن جریان دارد. ما خواهان حل و فصل مسائل دشوار کشور هستیم، ولی دشمن ضد سوسیالیست می خواهد از ستیزه های بوجود آمده، برای مقاصدی که با آنچه کارگران خودمان خواهان آنند، و با آنچه که برای آن فشار می آورند، در تضاد است، سوء استفاده کند. ما با تلاش هائی که در جهت از میان بردن نظم و همچنین کند کاری و تبیلی و انکلسفتی انجام میشود، قاطعانه مبارزه می کنیم و در برابر زحمتکشانی که شرافتمندانه و با از خود گذشتگی برای رفاه کشور کار می کنند، واکنش متقابل نشان خواهیم داد. ما پیگیرانه آرمان سوسیالیسم و منافع حیاتی دولت خلق را حفظ خواهیم کرد. امروز، این وظیفه برای حزب ما و در جنبه آیدئولوژیک و برای همه اعضای فعال ما از اهمیتی بسزا برخوردار است. در اساس، این آرمان مشترک همه نیروهای میهن دوست کشور است.

اوضاع اقتصادی در کشور باید توجه اصلی ما را جلب کند. ما باید فعالیت های دامنه داری برای استفاده از امکانات تولیدی کشور به عمل آوریم، امکانات بزرگی که به حداکثر مورد بهره داری قرار نگرفته است.

کشاورزی ما، که میلیون ها روستائین در آن کار می کنند و منبع تولید غذا برای مردم است، با مشکلات بزرگی روبروست. ما باید شرایط مساعدی

تشکل کارگران در انجمن های صنفی (سندیکائی) ضرورت انقلاب ایران است

# تمام تلاشهای امپریالیسم آمریکا سرانجام عیب است

مادر دوران پس از جنگ دوم جهانی شاهد انقلابهای عیب و غربت ایالات متحده آمریکا شمالی هستیم که می خواهد حرح تاریخ را متوقف سازد، نقیض پیشواهای نیروهای محافظه کار، مرتجع و فاشیست نژاد گرای جهانی را لغت کند، حسیسهای انقلابی و رهاشی بخش ملی را سرکوب نماید، تسلط دلار را در بازار اقتصادی جهان سرمایه داری از هرگونه خطری مصون و محروس نگاه دارد، امتیازات انسانی طبقات خریول را حفظ کند، "جهان سوم"، جهان رسد پاینده را به قبول سرنوشت برده وار و سهم فقیرانه و ادار سازد، تئوریها و اندیشه های اجتماعی سفسطه آمیز را، که هدفش توجیه نابرابری انسانها و باگزیری ستگر و غارت هست، بر تخت بنشاند و غیره و غیره. واقعا که عمده گرفتاریهای جهان از این کشور است که موقعیت ژئوپلیتیکی، نظام طبقاتی و دستاوردهای عظیم اقتصادی و فنی اش، او را به یک غول متفرعن و متجاوز و غارتگر بدل کرده است. بقیه گرفتاریها هم نتیجه غارت و تجاوز متحدان و دست نشاندهگان این غول است.

اگر ایالات متحده و "بیزیدنت های" آن (که از سوئی خادمان گوش به فرمان "جمع میلیاردرها" هستند و از سوی دیگر ترکیب عیسایی از خدعه و عوام فریبی و حماقت) نمی بودند، در دوران پس از سرکوب فاشیسم آلمان، سریت ناچار بود بر اساس همزیستی و صلح به دوران طولانی جنگ و سطره حوتی در تاریخ برای همیشه خاتمه دهد. ولی نه آمریکا آمد و تنها فرانکلین روزولت، که می گوید "نه آنکه" وجههای که کسب کرده بود، کامیاب در مقابل محافل ماوراء ارتجاعی ایستادگی کند، خیلی "به موقع" (با امریکی مشکوک) از صحنه خارج شد، بیزیدنت ترومن را که مظهر نمونه وار "بیزیدنت" کذایی آمریکایی بود، سرکار آوردند. آمریکا بعبانی خود را به عنوان "مترسک" حلال کلیه مسائل روی سر مردم تیره روز ناگازاکی و هیروشیما منفر ساخت و جاقوکنش وار، نفس کشن طلبید و دوران پررغش برد غش "حنگ سرد" را در جهان اعلام کرد، که میوه های چینی اش رژیم های نظیر رژیم محمدرضا پهلوی بود و هست.

ولی تاریخ که در اثر عریبه کشی آمریکایی ایستد مجبور است به سیر خود ادامه دهد، خلق ها عطاان استقلال، آزادی، ترقی، رفاه، امنیت، صلح و برادری هستند. خلق های عصر ما را نمی توان با دورانی مقایسه کرد که مثلا "قاتحان" اسپانیولی، این راهزنان طلا، به آمریکا لاتین می رفتند و یک تمدن کامل را برای ابد زدنای خود بنا می ساختند. امروز توده ها، بگذریم از آنکه در چه سطحی از تمدن یارفا باشند، از خواب دیرینه بیدار شده اند. سیاه و زرد و سرخ و سفید در یک نبرد جهانی عظیم شرکت دارند. شاید هنوز آگاهی و همبستگی و فتکل دورنی این رزمندگان جهان رنج و حرمان، به حد مطلوب نیست، ولی به سوی حد مطلوب می رود، به همان دلیل ساده که تا کنون در این سمت سیر کرده است.

ولی آمریکا دست از عریبه کشی و جاقوکنش بر نمی دارد، زیرا نمی خواهد در "فلسفه" اجتماعی خود، در سطره جهانی دلار، در نظام سرمایه سالاری، در تسلط گروه مقتدر سازندگان اسلحه و

جمهوری اسلامی ایران برمی دارد. اگر آمریکا انقلاب ایران را به حال خود می گذاشت، این انقلاب خیلی زود جان می گرفت و اکنون در کشور به جای عم و دغدغه، محیط نشاط کار و سازندگی برقرار بود و ما به آسانی می توانستیم یک ایران مستقل، آزاد و آباد به وجود آوریم.

ولی مگر آمریکا می گذارد؟ خون ما مرتکب این "خست لایقتر" شده ایم که گفتیم ما یک ملت کهن و تمدن، حرا باید غلام حلقه به نوس تاحداران دست نشانده امپریالیسم باشیم، از نظر قلدان کاخ سفید محکوم به روالیم، برای آنها حاش میلیونها ایرانی به اندازه، پستی ارزش ندارد. اگر حاکمینی شوید، پس بمرید!

همین معامله با مردم افغانستان می شود، یعنی - معامله در حق کشورهای سوسیالیستی به عمل آید. همین جریان را در حق کامبوجیا و ویت نام مشاهده می کنیم. همین جریان را در حق مردم فلسطین و مردم سوریه مشاهده می کنیم.

اگر مردم گره جنوبی علیه دیکتاتورهای شکنجه گر و فاسد برخیزند، یا مردم آلسالوادور دست از پا خطا کنند، یا مردم بولیوی بخواهند حکومت قانونی خود را تحکیم نمایند، یا مردم پاکستان بخواهند از شر ضیاء الحق حیاتیکار خلاص شوند، یا مردم عربستان سعودی و عراق و مصر خواستار حاکمیت خلقی شوند، بلافاصله آقای بیزیدنتی، با یک گونی بران انواع دسیسه و توطئه حاضر است. ترور، محاصره اقتصادی، تبلیغات جنجالی جهانی، ترکاندن بمب، ایجاد قحطی، پخش تهمت های رذیله، ایجاد تفرقه آشوب و دیگر شیوه های ابلهسی و دوزخی از حبه مارگری این خادمان شر بیرون می آید، و هر دفعه هم سعی دارند هر چه سرتیرو هر چه مذبذبه تر و هر چه حق بجانب تر و هر چه عوام فریبانه تر عمل نمایند و رد کم کنند و دم بر تله ندهند و قیافه "انسانی" و "حقوق بشری" به خود گیرند. الحق که تاریخ چنین جریان عیب و وحشتناکی را به یاد ندارد.

جاسوس آنها گاه یک وزیر ایرانی اطو کشیده است گاه یک اسقف کاتولیک، گاه یک روحانی نمای وارد بزموز فقه و اصول، گاه یک روسفکر مقدس نما، گاه یک تاجر بازاری، گاه یک دانشجوی ماوراء انقلابی، گاه یک کارگر نمای شورشی، که گویا فقط "حق خود" را می خواهد. مشکل باسکال المختلفة حتی -

الک و الحزیر " مردم جهان در نبرد خود با امپریالیسم آمریکا وارد جنگ فوق العاده سخت و فوق العاده طولانی و بر فراز و نشیب شده اند. این نبرد به عصب، حوصله، طاقت، بیگیری، جانبازی، آسان به صحت راه، ایمان به پیروزی نهایی، گذشت از خود و منافع خود، حسارت مدنی و شجاعت انقلابی و ده ها خصیصه مثبت دیگر نیاز دارد. و امپریالیسم آمریکا آنقدر می کاود و می کاود و می کاود که سر بازان و افسران لایق نبرد علیه خود را در سراسر جهان تربیت کند. می گویند وقتی شارل دوازدهم پادشاه سوئد، یطر اول تزار روسیه را دوازده بار تکست فاحش داد یطر به دوست خود ژنرال نیشکوف گفت:

" این دیوانه آنقدر مرا نکت می دهد، تا به من علم فتح کردن را بیاموزد."

آری، چنین است راز تاریخ نیرویی که باید غلبه کند. سرانجام و علی رغم تمام تدابیر و تلاش های طرف زوال یابنده، غلبه خواهد کرد.

احازه دهید تمثیل ناغرانه ای بیاریم. زمانی چند پرنده، کوهک در ساحل سط سید رود، که نغمه حیوانات به سوی خزر می رفت، نشستند و به او گفتند: ای سطر زیبا! خسر نداری که همه وزغان مرداب های این صفحات جمع شده اند و تصمیم دارند چلبک محکمی بیاغند تا حلوی ابواحت را سد کنند و نگذارند به دریای خزر برسی؟

سید رود، با یک های براق خود، در آفتاب - صبحگاهی خندید و گفت:

" آرام باشید برادران من! ابواج من، علی رغم هر چلبکی و علی رغم هر وزغی، مسلما به دریا خواهد رسید."

به همین سبب می گویند: نیروی نو و بالنده در تاریخ چیرگی نایزیر است. همشه نیروهای ارتجاعی می توانند در رزمهای کوتاه با اصطلاح فاتح شوند و بر سیاهه شوم جنایات خود با زهم حنایتی چند بیافزایند و رزمند های چند را نابود کنند، ولی جنگ بزرگ - تاریخی را مسلما خواهند باخت. بنابه مثل معروف:

دیر و زود دارد ولی سوخت و سوز ندارد.

این راحتی برخی سیاستمداران عاقلتر جهان سر - ماهه داری هم کم کک احساس می کند، زیرا آتش تاریخ خندان شور و (برشور) شده است، که حتی بعضی خان های احمق و مترعن سیر دارند می فهمد!



شیطان بزرگ - آمریکا برضد انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نقشه میکشد

## بمناسبت شصتمین سالگرد پایه گذاری حزب کمونیست ترکیه

بشهرت روزگزار شد.

در تمام این دوران، حزب به مبارزه - بی - امان با امپریالیسم و ارتجاع داخلی و همجنس جریان های گوناگون امپریالیستی استعجال دست.

حزب کمونیست ترکیه در سالهای دوران جنگ دوم جهانی مبارزه خود را بر اتحاد همه نیروهای ضدا امپریالیست و ضد فاشیست متمرکز بخشید و پس از جنگ، نخستین حزبی بود که برح مبارزه علیه نفوذ آمریکا در ترکیه و ورود آن کشور را در پیمان "نانو" براراشت. حزب کمونیست ترکیه کارزار گسترده ای را علیه استفاده امپریالیسم از ترکیه برای تجاوز علیه کره بسیج داد.

در سال ۱۳۳۵، رژیم ترکیه به توفیق صدها کمونیست دست زد و حزب مجبور شد که مبارزه دلیرانه خود را با دولت متفرس در شرایطی توانفرسا ادامه دهد.

س از چرخش ۱۳۳۹، مردم ترکیه برخی از حقوق و آزادیهای دموکراتیک خود را باز یافتند. در سال ۱۳۴۵، "حزب کارگر ترکیه" تاسیس شد. حزب کمونیست ترکیه، که نقش حزب نامیر در ارتجاعی کارگری کشور مثبت ارزیابی می کرد، پیوسته میکوشید تا "حزب کارگر ترکیه" سیاست ضدا امپریالیستی و دموکراتیک بیگیری را برگزیند. از سوی دیگر، حزب کمونیست ترکیه دوران جدیدی از مبارزه دشوار خود را علیه امپریالیسم، سیاست های ارتجاعی دولت دمیول و کرایش های امپریالیستی راست و "جپ" در جنس کارگری "قانونی" آغاز کرد.

در ۲۱ اسفند ۱۳۵۵، نظامیان ارتجاعی زمام حکومت را در ترکیه بدست گرفتند و به سرکوب همه عناصر مترقی، بویژه کمونیست ها، پرداختند. مشی حزب در آن دوران، پیکار در راه اتحاد همه نیروهای ضدا امپریالیست و دموکراتیک برای روبرویی با اختیای نظامی بود.

پس از سلوم ۴ مرداد ۱۳۵۳، کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه سازمانهای خود را در سراسر کشور

روز ۱۹ شهریور اسال، حزب کمونیست ترکیه، شصتمین سالگرد پایه گذاری خود را بزرگ میدارد.

حزب کمونیست ترکیه، فرآورده جنگ آزادیبخش ملی خلق ترکیه علیه امپریالیسم بود وزیر تاثیر الهام بخش انقلاب کمپرسوسیالیستی اکثر، بر پایه اصول مارکسیسم-لنینیسم و مشابه، حزب طراز نو طبقه کارگر ترکیه بدایتی یافت.

شصت سال پیش، در روز ۱۹ شهریور ۱۲۹۹ ۷۵ نماینده از ۱۵ سازمان گوناگون در کنگره موسسان حزب، حزب برادر را در ترکیه پایه نهادند و رفیق مصطفی صوفی را بعنوان نخستین صدر حزب کمونیست ترکیه برگزیدند.

نخستین کنگره حزب کمونیست ترکیه، هدفی های آن را چنین تعیین کرد:

شرکت هر چه گسترده تر در جنگ آزادیبخش ملی، تشکیل جبهه های مرکب از همه نیروهای ضد امپریالیست، سرنگونی سطر سلطنت، آزادی کشور از بند اسارت امپریالیست ها و ایدای مرتجع آنها، پایه گذاری جمهوری دموکراتیک و تقویت پیوند های دوستانه با اتحاد شوروی، مینن لنین.

حزب کمونیست ترکیه، بیدرتنگ پس از تاسیس، به شرکت در جنگ آزادیبخش ملی مبادرت ورزید، و دوش بدوش دیگر قشرهای خلق ترکیه، علیه مداخله گران امپریالیست و تجاوزکار به پیکار مسلحانه پرداخت.

در همان اوان دوران جنگ آزادیبخش ملی، بورژوازی ملی جبهه دوگانه خود را نشان داد و حلات شدیدی را علیه حزب کمونیست ترکیه آغاز کرد. در روزهای ۱-۸ بهمن ۱۳۵۵، مصطفی صوفی و چهارده تن دیگر از اعضای کمیته مرکزی حزب بدست عناصر ارتجاعی بقتل رسیدند.

دومین کنگره حزب کمونیست ترکیه در تابستان ۱۳۵۱ در شرایط نیمه قانونی در آنکارا برگزار شد. اما جده هه بعد، حزب غیر قانونی اعلام گردید و حزب برادر در ترکیه آن هنگام مجبور شد مبارزه خود را در شرایط دشوار احتیاق ادامه دهد. فراران کمونیست ترکیه در راه این سیکار میهن پرستانه، رها بی بخش حاش خود را باخستند.

سومین و چهارمین کنگره حزب کمونیست ترکیه نیز ترتیب در سالهای ۱۳۵۴ و ۱۳۱۳ در شرایط

سازمانهای خود را در سراسر کشور

کارگران نانوائی رامهرمز:

«حال و شرایط سخت کار ما را در نظر بگیرید»

پای صحبت یکی از کارگران نانوائی رامهرمز... نان شب و نانوائی های زندگی و کار خود سخن می گوید...

چشمان متورم و سرخی گرفته او به زحمت از فاصله ۵ متری اشیا را تشخیص می دهد...

نان شهر رامهرمز را ۱۸ نانوائی بزرگ و کوچک تهیه می کنند... اینها بیش از ۶۰ کارگر نانوائی را در دکان...

شاطر پا را دراز می کند و شروع به خمیازه کشیدن می کند... یاد آب می آورد و چارو می کند...

بعد از ظهر بود که با شاطر... خسته آلوده به آمد...

به گفتگو نشستیم... پشت دستهایش، تمام، سوخته بود...

نمی شوی؟ چرا دکتر نمی روی؟ دردمند و با آه، بطور مفصل توضیح می دهد...

"یعنی یک روز کار را تعطیل کنم... آنوقت که حقوق نمی گیرم... کارفرما می گوید...

دستمزد، همین یک ماه پیش شوهر خواهرم فوت شد... هیچکس راندن ششم که بتواند مجلس ترحم را بچرخاند...

حقوق نداشتم... کارفرما می گوید به من مربوط نیست... کارگر روزمزد همین است...

ولی باید قانونی وجود داشته باشد که بتواند حق مرا بدهد... من همین الان دستهایم حین کار در تنور سوخته...

وای نمی توانم برای معالجه، دکتر بروم... چون هر نوبت صبح، یا ظهر یا عصر پیش دکتر بروم...

یک طرف دولت و ادارات کار و بیمه خوب رسیدگی نمی کنند... البته با اشکالات و موانعی که براه آنها وجود دارد...

ما که از بیمه، تازه واردند... با این همه گرانی، اصلاً توانمان بریده...

پس اینکه در قانون کار راجع به حقوق و سن باز... نشستی، استفاده از تعطیلات، مرخصی سالیانه...

اصلاً، زندگی ما حتی از زندگی یک مستخدم خیلی خیلی جز... اداره دولتی هم بدتر است...

ما باید در سال ۱۲ روز مرخصی با حقوق داشته باشیم... ولی کارفرما این حق ما را هم نمی دهد...

کند و چیزهای دیگر که خوب، او نمی دهد... ندارد... الان درآمد هر نانوائی تا ۱۲۰۰ تومان در روز است...

سودا، آب و برق حداکثر ۷۰۰ تومان می شود... صاحب دکان روزانه ۵۰۰ تومان سود خالص دارد...

آرد روزانه کیلویی ده ریال و نیم برای هر نانوائی تعیین کرده است... آنها می توانند همه سهمیه آرد را نهند...

باید مصرف آرد سهمیه به وسیله شهرداری کنترل شود... یعنی هر هفته سرگشی کند که آیا برای پخت نان همه آرد را مصرف کرده اند...

باید مصرف آرد سهمیه به وسیله شهرداری کنترل شود... یعنی هر هفته سرگشی کند که آیا برای پخت نان همه آرد را مصرف کرده اند...

باید مصرف آرد سهمیه به وسیله شهرداری کنترل شود... یعنی هر هفته سرگشی کند که آیا برای پخت نان همه آرد را مصرف کرده اند...

باید مصرف آرد سهمیه به وسیله شهرداری کنترل شود... یعنی هر هفته سرگشی کند که آیا برای پخت نان همه آرد را مصرف کرده اند...

باید مصرف آرد سهمیه به وسیله شهرداری کنترل شود... یعنی هر هفته سرگشی کند که آیا برای پخت نان همه آرد را مصرف کرده اند...

باید مصرف آرد سهمیه به وسیله شهرداری کنترل شود... یعنی هر هفته سرگشی کند که آیا برای پخت نان همه آرد را مصرف کرده اند...

باید مصرف آرد سهمیه به وسیله شهرداری کنترل شود... یعنی هر هفته سرگشی کند که آیا برای پخت نان همه آرد را مصرف کرده اند...

باید مصرف آرد سهمیه به وسیله شهرداری کنترل شود... یعنی هر هفته سرگشی کند که آیا برای پخت نان همه آرد را مصرف کرده اند...

کارگران معادن سنگ آهک را دریابید

در کنار جاده تبریز به مرند و در نزدیکیهای کارخانههای بزرگی چون "سیمان صوفیان"، "گروس" و... کوره پزخانههای آهک قرار گرفته اند...

در این معادن حدود ۳۰۰ نفر کارگر کار می کنند... محروم از هرگونه رفاه و آسایش، محروم از ابتداییترین حقوق و مزایای کارگری کار می کنند...

محروم از هرگونه رفاه و آسایش، محروم از ابتداییترین حقوق و مزایای کارگری کار می کنند... محروم از هرگونه رفاه و آسایش، محروم از ابتداییترین حقوق و مزایای کارگری کار می کنند...

محروم از هرگونه رفاه و آسایش، محروم از ابتداییترین حقوق و مزایای کارگری کار می کنند... محروم از هرگونه رفاه و آسایش، محروم از ابتداییترین حقوق و مزایای کارگری کار می کنند...

محروم از هرگونه رفاه و آسایش، محروم از ابتداییترین حقوق و مزایای کارگری کار می کنند... محروم از هرگونه رفاه و آسایش، محروم از ابتداییترین حقوق و مزایای کارگری کار می کنند...

محروم از هرگونه رفاه و آسایش، محروم از ابتداییترین حقوق و مزایای کارگری کار می کنند... محروم از هرگونه رفاه و آسایش، محروم از ابتداییترین حقوق و مزایای کارگری کار می کنند...

محروم از هرگونه رفاه و آسایش، محروم از ابتداییترین حقوق و مزایای کارگری کار می کنند... محروم از هرگونه رفاه و آسایش، محروم از ابتداییترین حقوق و مزایای کارگری کار می کنند...

محروم از هرگونه رفاه و آسایش، محروم از ابتداییترین حقوق و مزایای کارگری کار می کنند... محروم از هرگونه رفاه و آسایش، محروم از ابتداییترین حقوق و مزایای کارگری کار می کنند...

محروم از هرگونه رفاه و آسایش، محروم از ابتداییترین حقوق و مزایای کارگری کار می کنند... محروم از هرگونه رفاه و آسایش، محروم از ابتداییترین حقوق و مزایای کارگری کار می کنند...

محروم از هرگونه رفاه و آسایش، محروم از ابتداییترین حقوق و مزایای کارگری کار می کنند... محروم از هرگونه رفاه و آسایش، محروم از ابتداییترین حقوق و مزایای کارگری کار می کنند...

محروم از هرگونه رفاه و آسایش، محروم از ابتداییترین حقوق و مزایای کارگری کار می کنند... محروم از هرگونه رفاه و آسایش، محروم از ابتداییترین حقوق و مزایای کارگری کار می کنند...

محروم از هرگونه رفاه و آسایش، محروم از ابتداییترین حقوق و مزایای کارگری کار می کنند... محروم از هرگونه رفاه و آسایش، محروم از ابتداییترین حقوق و مزایای کارگری کار می کنند...

محروم از هرگونه رفاه و آسایش، محروم از ابتداییترین حقوق و مزایای کارگری کار می کنند... محروم از هرگونه رفاه و آسایش، محروم از ابتداییترین حقوق و مزایای کارگری کار می کنند...

محروم از هرگونه رفاه و آسایش، محروم از ابتداییترین حقوق و مزایای کارگری کار می کنند... محروم از هرگونه رفاه و آسایش، محروم از ابتداییترین حقوق و مزایای کارگری کار می کنند...

محروم از هرگونه رفاه و آسایش، محروم از ابتداییترین حقوق و مزایای کارگری کار می کنند... محروم از هرگونه رفاه و آسایش، محروم از ابتداییترین حقوق و مزایای کارگری کار می کنند...

محروم از هرگونه رفاه و آسایش، محروم از ابتداییترین حقوق و مزایای کارگری کار می کنند... محروم از هرگونه رفاه و آسایش، محروم از ابتداییترین حقوق و مزایای کارگری کار می کنند...

محروم از هرگونه رفاه و آسایش، محروم از ابتداییترین حقوق و مزایای کارگری کار می کنند... محروم از هرگونه رفاه و آسایش، محروم از ابتداییترین حقوق و مزایای کارگری کار می کنند...



وی درباره مشکلات خود گفت: ... مشکل مادر زمینه گرانی ارزاق و افزایش کمرشکن قیمتها نیازی به گفتن نیست...

مادر سفر خرچی (۱) نفر را تامین می کنیم... هر دو جوشکار قابلی بودیم، بطوریکه کار در کارخانجاتی چون "آذریت"، "گروس"...

پس از آنکه ما مورین اداره کار و امور اجتماعی به بازدید آمدند، به بعضی از کارگران معدن دفترچه بیمه اجتماعی داده شد...

یکدیگر را کارگران می گوید: ما در اینجا امنیت و تضمین مالی و جانی نداریم... صاحب معدن مواد منفجره را در اختیار کارگران می گذارد...

آن اشتباه بگردد، منجر به مرگ وی خواهد شد... چند نفر جان خود را در این معادن از دست داده اند و هیچکس مسئولیت آن را بر عهده نگرفته است...

دوتن از کارگران معدن سنگ آهک: آنکه دستمال دردستاده، ۱۹ سال بیشتر ندارد...

معدن باید ضمن رسیدگی به مشکلات ما، یکنفر مسئول مجرب برای چال کردن مواد منفجره استخدام بکند...

بفرار باد اتحاد همه نیروهای صدامبر بالستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

تشکیل سازمان نان از طرف دولت را داده اند... فکر می کنم بسیار پیشنهاد عادلانه است...

سختن ما با ناظر سوا گل اداجته، اما باید او را گذاشت تا به کارش برسد...

به نگاه امیدوار و آخر گرفته او خیره می شوم... دستان زخم زده و بربرکت او را می فریسم...

امید ما از این انقلاب و رهبر خردمند آن امام- خمینی این است که حال و شرایط سخت کار ما را در نظر بگیرند...

کارگران معدن سنگ آهک را دریابید... کارگران معدن سنگ آهک را دریابید...

کارگران معدن سنگ آهک را دریابید... کارگران معدن سنگ آهک را دریابید...

## پاسخ مسئولین بخواستهای دهقانان

دنب، درج یک خیردهقانی درنامه "مردم شماره ۲۲۴، مورخ ۱۴ تیرماه ۵۹، یک نامه از طرف روابط عمومی بانک کشاورزی، باشماره ۲۹۲/۳۹۹۲۱/۱-۱۳۵۹/۶/۵، به دفترنامه "مردم" ارسال گردیده است، که عینا نقل می‌گردد: "متأسفانه انقلاب اسلامی و آزادی برای عده کثیری از افراد این توهم را پیش آورده است که انقلاب یعنی بی‌بندوباری و یعنی عدم آدای دین. بدین جهت از زمانی که انقلاب اسلامی ایران تحقق یافته است، تاکنون بارها کشاورزان که از بانک کشاورزی وام دریافت داشته‌اند، تقاضا کرده‌اند بدهی‌هایشان بخشوده شود. ضمن اینکه پاسخ لازم همیشه داده شده است، مگر توجیه نشده‌اند. لذا ذیلاً مراتب زیر را یادآور می‌شود.

بانک کشاورزی یک بانک دولتی است و سرمایه آن مربوط به بیت المال می‌باشد، لذا کشاورزان که از بانک وام دریافت داشته‌اند، اگر بازپرداخت ننمایند وجوه بیت المال از بین رفته است. از طرف دیگر اگر این وامها وصول نشود، سایر کشاورزان و حتی خود کشاورزان بدهکار مزبور دیگر نخواهند توانست از بانک وام دریافت دارند، چون دیگر چوچوی موجود نخواهد بود. بانک با سرمایه‌ای که دولت در اختیار آن گذارده، وام می‌پردازد و پس از وصول، مجدداً مبلغ وصولی را به صورت وام عرضه می‌دارد. بدین ترتیب گردش کار بانک کشاورزی تا زمانی خواهد بود که کشاورزان بدهکار بموقع و در سرسید دین خود را به بانک تسویه نمایند. لذا از عموم کشاورزان عزیز، که از این بانک وام دریافت داشته‌اند، انتظار دارد، منبعه این قبیل تقاضاها را مطرح ننمایند و با فعالیت و پشتکار به کار کشاورزی و افزایش تولید ادامه دهند و برای خود و کشاورزی افتخار باشند. بانک کشاورزی نیز در اختیار کشاورزان بوده و آماده است فقط با ۴ درصد کارمزد برای کلیه فعالیت‌های کشاورزی، آبیاری، باغداری، دامداری، دامپروری، پرورش طیور، احداث تاسیسات کشاورزی، خرید ماشین آلات کشاورزی، صنایع دستی و سایر امور کشاورزی و امهائی لازم در اختیار کشاورزان سراسر کشور قرار دهد.

نام "مردم" - واقعیت اینست که بسیاری از دهقانان زحمتکش، به دنبال سیاست ضددهقانی رژیم گذشته، بخاک سیاه نشسته‌اند و مبالغی هم به بانکهای مربوطه و به انواع رباخواران بدهکار هستند، که خود در دین بیدارمانی برای آنها شده است. و این بدهکاریها، با توجه به شرایط پرداخت، عملاً نقض مثبتی در بهبود وضع تولید دهقانان تهری دست نکرده و موجب رونق کشاورزی نشده است. هنوز هم بسیاری از دهقانان قادر به تهیه نیازهای تولیدی خود اعم از بنر و کود... نیستند و چون دریافت وامهای جدید مشروط به پرداخت بدهی‌های گذشته است، عملاً احمای امور زراعت و دامداری برای آنان امکان پذیر نیست، حتی در بسیاری موارد، همین امر سبب خانه خرابی و ورشکست و مهاجرت دهقانان شده است. باید این شرایط استثنائی را در نظر داشت برای تقویت بنیه اقتصادی کشاورزان، مقامات مسئول باید تدابیر استثنائی و اضطراری و تصمیمات قاطع به نفع دهقانان تهری دست، منجمه در زمینه وام و سیاست

اعتباری، اتخاذ کنند. تا بانک کشاورزی، از مقامات مسئول می‌خواهیم که با دقت و توجه جدی و عمیق به وضع و توان اقتصادی دهقانان، برای بخشودگی بدهی‌های گذشته دهقانان تصمیمی اتخاذ کنند، تا صدمه‌های به امحیاتی تولید آنها در شرایط فعلی وارد نیاید، البته از این پس، پرداخت دین در برابر وام گرفته شده از دولت جمهوری اسلامی ایران، امر واجب است. ولی در بسیاری از موارد پرداخت وامهای زمان طاغوت عملاً غیرممکن است و نتیجه‌ای جز توقف تولید کشاورزی برودن دهقان از زمین و راندن قطعی او به شهر ندارد. با در نظر گرفتن این شرایط استثنائی است که از طرف دهقانان خواست آنگای دیون مطرح می‌شود. چون با نگهداشتن این بار هرگز کم‌تولیدکنندگان خرده‌پا راست نخواهد شد و کشاورزی آنها پا نخواهد گرفت.

الغای بدهی‌های گذشته در ضمن خط بطلانی است بر سیاست اعتباری رژیم طاغوت، که در خدمت بزرگ مالکان بود و دهقانان را ورشکسته و وابسته و درمانده میکرد. اگر این خط بطلان کشیده نشود، بدهی‌های گذشته لغو گردد، آنوقت میتوان مشی درستی را که، منجمه استاد رضا صفهائی نیز پیشنهاد کرده است و همه دست اندرکاران دلسوز نیز به آن باور دارند، عملی ساخت، یعنی اولاً وام را نه به شکل انفرادی، بلکه به طور جمعی به شورای ده، یا به تعاونی، یا به مالکیت مشاع دهقانان نیازمند داد. ثانیاً وام را نه به صورت پولی و خرد خرد، بلکه به صورت جنسی و به شکل ماشین آلات، پاکود، باسوم و به شکل عملیاتی نظیر حفراه و نصب تلمبه و غیره داد، یعنی بصورتی که مستقیماً منحصراً به غییره تولید و تقویت بنیه اقتصادی دهقانان منجر شود، نه آنکه در گرویدار احتیاجات کم‌رشدگی، صرف مخارج روزانه گردد.

آخرین جملات پاسخ بانک کشاورزی خوشبختانه نشان می‌دهد که مسئولان به این جنبه توجه دارند و این مایه خرسندی است. و بالاخره لائا وام را نه به صورت حق السکوت و قرض مسکن چند روزه، بلکه به مثابه یک اهرم سازمان دهنده تولید و بهسازی و یک وسیله نیرومند تحریک اقتصادی و بهبود وضع اجتماعی باید تلقی کرد و بکاربرد، و همه اینها البته بر اساس برداشت کامل نوین و انقلابی از ساله وام کشاورزی، در خدمت اقتصاد سالم و مستقل کشاورزی، در خدمت قشرهای زحمتکش دهقانی.

بدین ترتیب اصرار در گرفتن بدهی‌های گذشته، در شرایطی که میلیونها دهقان درمانده، عملاً قادر به پرداخت آن نیستند، نه فقط یک سخت گیری ظالمانه و فشار بی‌مورد است، بلکه این برداشت انقلابی و نوین از سیاست اعتباری کشاورزی، با تمام توجهی که به مطالب نامه بانک کشاورزی در زمینه فنی و اداری برای آینده باید مبذول شود، شایسته است که پس از انقلاب از ریشه برداشتی انقلابی داشت و البته از این پس استدلالات صحیح مندرجه در نامه را در چارچوب این سیاست نواصولی که بسود دهقانان باشد، جداد نظر گرفت.

## دهقانان کم زمین و بی زمین!

باتشکیل کمیته‌های خود و یاتکیه به پاسداران متعهد و افراد دلسوز جهاد سازندگی، به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سر بنیان و بسود شما اجرا شود

هنوز هم زورگویی مالکان بر دهقانان بی زمین و کم زمین ادامه دارد

روستای مرجان آباد در ۴۰ کیلومتری شمال مهاباد واقع است و جمعیت آن حدود ۳۰۰ نفر و دارای ۳۶ خانوار است. این روستا ۱۰۶۰ هکتار زمین مزروعی و مقداری زمین با برادر دارد. از این مقدار زمین مزروعی ۱۰۰۰ هکتار آن در مالکیت آریاب و ۶ هکتار بقیه متعلق به ۲۳ خانوار روستا است، که ۳ خانوار صاحب ۳۰ هکتار و ۲۰ خانوار دیگر ۳۰ هکتار بقیه را در اختیار دارند. ۱۳ خانواری بی زمین این روستا در کوره ز خانه های اطراف بعضی شهرهای دور و نزدیک ماکرگری مشغولند و یا در روستاهای مجاور به عنوان کارگر کشاورزی برای صاحبان زمین کار می‌کنند. در زمان طاغوت مالک این روستا توانست مبارزات دهقانان بی زمین و کم زمین را، که برای گرفتن حقوق خود به پا خاسته بودند، سرکوب کند. اما اکنون بعد از انقلاب و تصویب قانون اصلاحات ارضی، دیگر نباید آریاب بتواند حقوق برحق دهقانان را پایمال کند. این حکم انقلاب و خواست دهقانان است. میده است و باید هر چه زودتر با کاربیکر هیئت ۷ نفره حق به حق دار برسد.

یکی از دهقانان کم زمین، که زور گویی‌ها و ستمهای آریاب را به حد وفور دیده است، میگوید: "در زمان طاغوت همیشه شکنجه و ظلم و زور دیده‌ایم، ولی حالا که انقلاب شد ما نتوانستیم بدون زور و اجحاف به کار کشت بپردازیم." آخر می‌شود بعد از انقلاب هم یک نفر هزار هکتار زمین داشته باشد و ۲۰ خانوار دهقان زحمتکش هم ۳۰ هکتار؟ این دهقانان به حق خواهان طرد کامل سیستم فاسد بزرگ مالکی و فئودالی هستند، که پایگاه ضد انقلاب و کانون تشنج و توطئه است.

## ضدانقلاب فعالیت تخریبی خود را در روستاها ادامه می‌دهد



گروهی از سوخته خرمن ابراهیم میرخانم جان در روستای کچک سفلی (سقر) هشداریست به مقامات مسئول: ریشه بزرگ مالکی، ام الفساد روستاها را بخشکانید!

یورش شبانه به کاشانه دهقانان، حمل مسلحانه به دهقانان تهدید است به "جرم بی روی از فرمان امام خمینی مبنی بر کشت زمین ها، تفرقه افکنی بین دهقانان، تبلیغات سو علیه جمهوری اسلامی، تبلیغات سو علیه قانون اصلاحات ارضی، ایجاد محیطی مصنوعی و احتکار کالاها در روستاها و آتش زدن خرمن ها، گوشه‌ای از فعالیت‌های ضدانقلاب علیه مواضع انقلاب و در جهت حفظ مواضع اقتصادی - سیاسی بزرگ مالکان است.

فعالیت ضدانقلاب در روستاها همزمان با پیروزی انقلاب و رشد مبارزات دهقانان برای کسب زمین، یعنی تحقق یکی از دستاوردهای انقلاب، آغاز گردید و تا امروز به اشکال مختلف ادامه یافته و در این اواخر تشدید شده است. یکی از شیوه‌هایی که ضدانقلاب بان متوسل شده‌است، آتش زدن خرمنهاست، که در فصول برداشت درسال گذشته و امسال، از آن بعنوان حربیه ای مخرب علیه انقلاب و دهقانان زحمتکش استفاده شده است.

نامه "مردم" بارها بارها و بویژه از شماره ۲۳۵، مورخ ۵۹/۲/۲۰، به بعد، مقامات مسئول، دهقانان و نهادهای انقلابی را متوجه این خطر کرده است. مادر طی هشدار خود از آنها خواستیم که مصرانه از خرمن ها مراقبت بعمل آورند و مانع موفقت ضدانقلاب در اهداف شوم خود شوند. ولی باوجود مراقبت‌هایی که دهقانان، نهادهای انقلابی و مسئولین دلسور ملکی از بروز چنین حوادثی بعمل آوردند، متأسفانه ضدانقلاب موفق شده که در پاره‌ای از نقاط کشور، دسترنج یکسال زحمت دهقانان تهدید است و زحمتکش را به آتش بکشد و دود کند.

مطابق آخرین اخبار رسیده، عناصر ضد انقلاب و وابسته به امیرالیمم با در نظر گرفتن نقاط مختلف کشور مجبور یکسال رنج و امید دهقانان را آتش زدند. چند مثال: پنجشنبه ۹ مرداد ماه ۵۹، حدود ۶ تن از خرمن های یک روستایی بنام ابراهیم میر - خانم جان در روستای کچک سفلی، ۴۳ کیلومتری سقر به آتش کشیده شد.

محل آتش سوزی در شرق روستا و با فاصله ۵۰۰ متری آن بوده است. گومه‌های گندم جدا از هم و با فاصله نسبتاً زیادی از یکدیگر قرار داشت. بعد از وقوع آتش سوزی، دهقانان خود را به محل حادثه می‌رسانند، ولی به علت عدم دسترسی به وسایل اطفاء حریق، ۳ عدد از گومه‌ها میسوزد و مجموعاً ۶ تن گندم از بین می‌رود. این گندمها متعلق به دهقانی است که برای مخارج دروی آن حتی ۱۰۰۰ تومان قرض کرده بود. با توجه به حسن شهرت این دهقان و فاصله نسبتاً زیاد ۳ گومه سوخته شده از یکدیگر، به گفته اهالی اتفاقی بودن و یا انگیزه‌های شخصی برای بروز این حادثه مردود است و حتماً دست جنایتکاری عمدا دستور ضدانقلاب را اجرا کرده است.

در ساعت ۱۱/۵ صبح روز سه‌شنبه ۱۱ شهریور ماه ۵۹، یکی از مزارع گندم منطقه قیسروز - آباد، واقع در جاده ورامین، دچار آتش سوزی شد. در این آتش سوزی، که بعد از ساعت ۱۰ بعد از ظهر شروع شد، حدود ۵۰ هزار متر مربع از مزارع طعمه حریق گردید و محصول دسترنج دهقانان سوخت. این آتش سوزی بی شک خسارات فراوانی به محصول کشاورزی این منطقه وارد ساخته است.

## آورانگان احمدآباد سفلی را به سرزمین خود برگردانید

احمدآباد سفلی روستائی از توابع میان دربند کرمانشاه است. در این روستا بیست خانوار ساکن بودند، که به دلیل مشکلات فراوان و به خصوص عدم دسترسی به زمین، مجبور به ترک ده و آواره شهرها شدند. اینک در متروکه کویه ویرانه‌ای تبدیل شده است. کدخدای ده ۲۰۰ هکتار زمین دارد. این کدخدایان بزرگ مالک ده اراضی خود را به پستانکاران غیر بومی، که از شهرستان‌های دیگر آمده‌اند، به منظور کشت هندوانه، طالبی و غیره واگذار کرده‌اند. تنها راه برگرداندن خیل عظیم بیکاران شهری

که منشاء روستائی دارند، حل مسئله زمین و تهیه وسایل مورد نیاز آنها برای تولید است. زیرا کمبود زمین و سایر وسایل، عامل اصلی مهاجرت آنها در رژیم شاه مخلوع بوده است. تدوین یک سیاست کشاورزی صحیح و مردمی، به نفع زحمتکشان، به تولیدات این بخش و نیز تولید ملی کشور می‌افزاید و به بسیاری از مشکلات و موانع موجود در اقتصاد روستائی و در زندگی روستائیان پاسخ خواهد داد.

# هنر

## یادداشتی بر فیلم «عروج»:

### آنها که بر مرگ پوز خند می زنند!



عروج اخلاقی و روحی اوست. راهبرامحارز و شهادت نامیده می شود. سرنوشت دوگانه قهرمان فیلم، از دستگیری تا شهادت و خیانت، از راهی دشوار و ناهمواری گذرد. مرگ از لحظه دستگیری ریباک و سوتنیگوف، بر زندگی آنها سایه می اندازد. اسارت در جنگ آلمانی های خون آشام و هم-دستان محلی کفار مفتنان، بوته آزماپی است که جوهر وجود هر یک از آنها را آشکار می کند. از این پس "مرگ" نا محصور نابیدایش فضا را می اناردوبه قهرمان اصلی فیلم تبدیل می گردد. در مراحل باز حوئی، شکنجه گاه و زندان، شاهدخلای روحی و کشمکش درونی قهرمانان هستیم در اینجا سرشت «سنوی» سر فرد است که ابتکار عمل را به دست می گیرد. هر یک برای مرگ منزلتی محدود و معین دارند.

برای ریباک مرگ پایان همه چیز است. بامرک نمی تواند سختی از وجدان، مردم دوستی و وطن پرستی باشد. بنابراین از مرگ می توان به هر چیز کم زیان تر از آن پناه برد، حتی خیانت. با این "استدلال" خودخواهانه است که ریباک تن به پستی خیانت می دهد. سوتنیگوف نیز از تهدید جندش اور "مرگ" با خبر است. اما از نظر او "مردن از همه چیز بدتر نیست". بر عکس، مرگ سبری است تا بدان بسا چیزها را می توان امین داشت. مرگی که ریباک را بدان زبونی و فرومایگی می کند، برای او وسیله و سلاحی می گردد. تا شرافت و وجدان خود را پاس دارد.

رفتار دو قهرمان فیلم را نیز، در انبار تاریخ و مخوف، در آخرین شب زندگی، بایستی باهمین دید تعبیر کرد. مرگ بر زندگی هردوی آنها جنگ انداخته است. ریباک که بالا تر از مرگ از مرگ ارزنی نمی شناسد، دائم بی تاب و نارام است. بر عکس سوتنیگوف با فروتنی و ایثار بی هیاهوی خود، مرگ را انتظار می کشد. او از این رو اسوده خاطر است که می داند دشمنان نمی توانند بر وجدان و شرافت او دست یابند، و حداقل جان او را می ستانند.

فیلم در واقع دو پایان دارد. یکی، عروج مردی است که با چهره های مضم و استوار، از تمام دردهای جسمانی فارغ گشته است، و با قبلی روشن از فروغ آینده تابانک، آرمان پاک خود راه در می برد. دومی، سقوط به مغاک تیره خیانت است. خیانت به ملتی که هزاران چون او را فدای آزادی خود کرده است. عقوبت هژمانکی در انتظار اوست، که در برابر آن مرگ شیرین ترین فرجام است، که این هم به آسانی دست نمی دهد.

### حمله به محل پخش نامه مردم در کرمان غیر قانونی است

وعلنی، داشتن، فروش و پخش آنها نمی تواند جرمی محسوب شود. رفیق حجت اسدی در مورد غورهای پرسش و پاسخ گفت: "این نوارها در جلسات پرسش و پاسخ رفیق کیانوری، که هر پنجشنبه با شرکت علاقمندان به صورت علنی برگزار می شد، تهیه شده است و هیچ چیز علیه نظام جمهوری اسلامی در بر ندارد و نتایجی نداشته آنها جرم نیست. متأسفانه این توضیحات مورد قبول باز پرس - دادگاه انقلاب کرمان قرار نگرفت و او برای هر یک از رفقا، قرار نه مبلغ باند هزار تومان صادر کرد. اینگونه اعمال و رفتار غیرمستولانه زمانی صورت می گیرد که دادستانی کل کشور، بیش از یک ماه پیش در اطلاعیه خود آن را "خلاف مقررات جاری و محل امتیاط قضائی و تضعیف ارگان مملکتی" و همچنین "مخالف نص صریح قانون اساسی و مصالح عالی کشور دستور قرآن کریم" اعلام کرد.

### محصول: «مسفیلیم» شوروی - ۱۹۷۵ کارگردان: لاریسا شپیتکو فیلمبردار: ولادیمیر چوخنوف بازیگران: سوریس پلوتنیکوف، ولادیمیر گسوخین

فیلم عروج، ساخته بانو لاریسا شپیتکو، یکی از کارگردانان جوان اتحاد شوروی، بی هیچ تردیدتری سگت انگیز و تکان دهنده است. فیلم با اینکه درباره جنگ است، اما از قهرمان بازی هاو برخورداردهای سطحی و باسماهی "سینمای جنگی" در آن خبری نیست. بر عکس، واقع گرایی و حقیقت گویی ناب و شاعرانه در سراسر فیلم جریان دارد. سازنده جوان فیلم، اثر بدیع و جسورانه خود را بر اساس ساختمانی متناقض و بغرنج بی نهاده است. نخست، او بر آن است که با نامها و تصاویر شخصی و انسانی، تمامی خشونت غیر انسانی جنگ را به تمام ناگوارا لقا کند. دیگر اینکه از طریق بصری ترین تصاویر سینمایی، به درون مقولاتی ذهنی، چون ضمیر و وجدان، راه یابد. موفقیت در چنین آفرینشی به آسانی دست نمی دهد. با وجود این، سازنده "عروج" موفق شده است از طریق نقل یک داستان ساده و صمیمی، ضمیر باطن و روحیات شخصیت های خود را بگوید.

داستان فیلم یکی از وقایع عادی و هر روزه جنگ بزرگ میهنی است. زمستان سال ۱۹۴۲ است. یک واحد پارتیزانی ارتش سرخ، به همراه جمعی زن و کودک، در میان برف و بوران شدید، از زیر آتشبار نازی ها می گریزد و در جنگل پناه می گیرد. خستگی و ترسگی همه را از پا در آورده است. فرمانده واحد دونفر با به جستجوی غذا می فرستد. ریباک - پارتیزان جلاک و جسور و سوتنیگوف - یک افسر ارتش، که تازه به واحد پیوسته است.

سوتنیگوف مریض است و در راه از دوستش عقب می ماند، اما با وجود بیکار رجورشی، سر سخت در برف پیش می رود. این دو نفر تصادفاً با چند سرباز آلمانی برخورد می کنند، و پس از نبرد کوتاهی، به یک کلبه روستایی پناه می برند. اندکی بعد به همراه کدبانوی کلبه دستگیر می شوند. اراین پس، مأموریت آنها، که در آغاز آسان و عادی می نمود، وارد مرحله ای مرکب از ترس، خونسختگی و شکنجه تهدیدکنان نزدیک می شود. دستگیر شدگان در بازجویی و آکشن متفاوتی از خود نشان میدهند و شخصیت نابید او حقیقی خود را عیان میکنند. پارتیزان، که اندامی تندرست و قوی دارد، بر وجدان خود پیروزه می بندد و آنرا به تنگنای سازش و مصالحه می کشد. راه تافرجام و گریزگاه باطلی، که خیانت خوانده می شود. ترس از مرگ، هستی او را قبضه می کند، و او را به همکاری با آلمان ها وامی دارد. افسر، که به پیروزی آلمان والای خود ایمانی استوار دارد، با تن رجور، از تمام آزموهای دشوار سر بلند بیرون می آید. مرگ رنج بار و درد آلودش در میدان یک شهر کوچک بلوروسی، به درخشان ترین لحظه زندگی او تبدیل می گردد. مرگ او بیانگر

به دنبال حمله تعدادی از افراد سپاه پاسداران کرمان به محل پخش نامه "مردم" و دستگیری دوتن از هواداران حزب توده، ایران به نام های حجت اسدی و مجید اسلامی، باز پرس دادگاه انقلاب کرمان برای هر یک از آنها به خاطر داشتن نشریات وابسته به حزب - توده، ایران، قرار می بماند هزار تومان صادر کرد!

در جریان بازجویی، رفقای دستگیر شده از خط مشی اصولی و انقلابی حزب توده، ایران دفاع کردند و نقش مثبت آنرا در دفاع و پشتیبانی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و خط امام خمینی توضیح دادند. از حمله رفیق حجت اسدی در برگ بازجویی خود، پس از توضیح در مورد دفاع حزب توده، ایران از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران متذکر شد که، نشریات که توسط تعدادی از پاسداران ضبط شده است، همگی نشریات، آزاد و قانونی هستند و از طرف دادستانی کل و وزارت ارشاد ملی اجازه رسمی انتشار دارند و چون حزب توده، ایران، حزبی است سیاسی قانونی

# رویدادهای جهان

## لئونید برژنف: کمونیستها و مردم شوروی همواره از لهستان حمایت خواهند کرد

این کشور همواره از لهستان حمایت خواهند کرد. الکسی کاسینکین - نخست وزیر اتحاد شوروی نیز بمناسبت انتخاب ژوزف پینکوفسکی به سمت نخست وزیر لهستان پیام شادباشی برای وی فرستاد. پارلمان لهستان رسماً انتخاب پینکوفسکی را مورد تأیید قرار داده است. از سری دیگر سفیر اتحاد شوروی در ورشو از ادرارد کیرک عیادت کرد. در این دیدار سفیر شوروی آرزوی رهبران این کشور را در بهبودی هر چه سریعتر کیرک به وی ابلاغ کرد.

رهبران کشورهای سوسیالیستی و احزاب کمونیست جهان به مناسبت انتخاب کاسینا به سمت دبیر اول کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان پیام شادباش برای وی فرستادند. از جمله لئونید برژنف، رهبر اتحاد شوروی - پیام خود گفت: «اتحاد شوروی کالیا را یک مبارز برجسته در راه دفاع راستین خلق لهستان می شناسند.» برژنف اظهار امیدواری کرد که مردم لهستان به رهبری حزب متحد کارگری بتوانند هر چه زودتر پس مشکلات بوجود آمده بیروز شوند. برژنف گفت که کمونیست های شوروی و همه مردم

## حمله شدید شریک کنندگان کنفرانس منطقه ای سازمان خواربار جهانی به کشورهای غربی

هیئت های نمایندگی شانزدهمین کنفرانس منطقه ای سازمان خواربار و کشاورزی جهانی، که در سطح وزیران، در هوانا، جریان دارد، شدیداً به روابط اقتصادی نابرابر و تبعیض آمیز بین المللی، که کشورهای غربی سهم در حفظ آن دارند، حمله کردند. «ویلوک» عضو رهبری ملل آزادپخش ساندرنیست و وزیر توسعه کشاورزی نیکدرا گوته، به کشورهای در حال توسعه توصیه کرد که برای استقرار نظام اقتصادی جدید به تلاش بیکسر دست بزنند. وی گفت: «توسعه اقتصادی واقعی کشورهای امریکای لاتین بدون حل مسائل بنوع توده های محروم غیر ممکن است.» «ویلوک» خاطر نشان ساخت که حکومت نیکدرا گوته به تلاش گسترده برای حل مشکلات اقتصادی، که نتیجه فعالیت های خانمانه رژیم سرنگون شده سوموزا است، دست زده است. وزیر کشاورزی نیکدرا گوته تأکید کرد: «تاکنون بیش از دو هزار و پانصد تعاونی کشاورزی ایجاد شده است و این تعاونی ها که از حمایت گسترده دولت برخوردارند، به عامل مهم در توسعه و تحول در این رشته تبدیل شده اند.» ویلوک همچنین گفت: «ملی شدن لزوماً ملی - معادن، بانکها و شرکت های بیمه - توسط دولت شالوده های متحکم برای بازسازی اقتصاد کشور بوجود آورده است.»

## نمایشگاه زندگی ابوعلی سینا در بخارا

در یکی از مراکز فرهنگی بخارا، تعدادی تابلوی نقاشی مربوط به زندگی ابوعلی سینا به نمایش گذاشته شده است. این تابلوها درباره دوران مختلف زندگی ابوعلی سینا است. امسال به دعوت پونسکو، هزاره ابوعلی سینا در کشورهای مختلف، از جمله در اتحاد شوروی برگزار میشود.

## یاندهای افغانی دست به غارت مردم پاکستان زده اند

سراسر گزارش های رسیده، اوضاع شمال غربی پاکستان، منطقه ای که باصطلاح اردوگانه های آوارگان افغانی و بیابانهای دیگر، اردوگانه های آسورشی "باندمای" افغانی در آنجا قرار دارد، شدت متسبح است. یاندهای افغانی در این منطقه با یکدیگر به زود خود برداخته و بجای مردم پاکستان افتاده اند. در بلوچستان پاکستان، یاندهای افغانی دست به غارت اموال مردم زده و ساکنان این ایالت به زود خود برداخته اند. دریم دست نشانده صیاء الحق، که حامی اصلی یاندهای افغانی است، با چارنده است که برای "حفظ نظم"، نیروهای مسلح گسیل دارد. عالی مقامات شمال غربی پاکستان خواستار آمدن دریم صیاء الحق عرحدودتر از حمایت یاندهای افغانی دست بردارد.

## درجهان سوسیالیسم

### رشد همه جانبه اقتصاد شوروی همیاری اقتصادی

آهنگ رشد اقتصادی شوروی "شورای همیاری اقتصادی" در سالهای ۵۸ - ۱۳۵۵ ۴۰ درصد بود در ضمن، رقم مشابه برای کشورهای صنعتی سرمایه - داری ۲۴۱، برای ایالات متحده ۲۳۰ و برای کشورهای "جامعه اقتصادی اروپا" ۲۰۷ بوده است. جدول زیر رشد برخی از شاخص های مهم اقتصادی را در سالهای ۵۸ - ۱۳۳۹ در کشورهای "شورای همیاری اقتصادی" (به درصد) نشان می دهد: درصد رشد (در سالهای ۵۸ - ۱۳۳۹)

۱۲۲	تولید صنعتی
۱۱۷ / ۹	بازآوری تار در صنعت
۱۲۲ / ۱	تولید انرژی الکتریکی و حرارتی
۱۱۸ / ۲	تولید نفت
۱۴۳	تولید گاز
۱۳۸ / ۷	تولید صنایع مهندسی و فلزکاری
۱۲۷ / ۲	تولید صنایع سیمانی و لاستیک سازی
۱۳۴	تولید صنایع پلاستیکی و مصنوعی
۱۱۵	درآمد واقعی سرانه
۱۵۶	بازرگانی متقابل

## درجهان سرمایه داری

### کشورهای سرمایه داری جهان در آستانه رکود جدید

اقتصاد سرمایه داری جهانی، بدون آنکه از بنیادهای بحران سالهای ۵۴ - ۱۳۵۳ رهایی کامل یافته باشد، اینکه به رکود ممتد دیگری نزدیک می شود. در قدرت مندترین کشورهای سرمایه داری جهان، یعنی ایالات متحده آمریکا، فرآورده ناویژه ملی در چهاره نخست سال میلادی کنونی به مقدار ۶۰۰۰۰ میلیون دلار کاهش یافت. در نیمه اول این سال درآمد واقعی آمریکائی ها هفت درصد کمتر شد. در دیگر کشورهای سرمایه داری نیز وضع چندان بهتر نیست. در بریتانیا، نزدیک به دو میلیون نفر بیکارند، که از دوران "رکود بزرگ" تاکنون بی سابقه است. حتی در جمهوری فدرال آلمان و ژاپن نیز، که دارای اقتصاد نسبتاً متعادل تری هستند، بوی رکود شنیده می شود.

## انکار عمومی جهان نگران سر نوشت رهبر حزب کمونیست پاراگوئه است

انکار عمومی جهان و شخصیت های برجسته از سر نوشت آنتونیو مایدرنا، رهبر حزب کمونیست پاراگوئه، که از ۲۷ اوت در بوئنوس آیرس ربوده شده، ابراز نگرانی میکنند. لوئیس کوروالان، دبیر کل حزب کمونیست شیلی، خواستار اقدام فوری برای یافتن و آزادی مایدرنا شد. دبیر کل حزب کمونیست اوروگوئه نیز از همه نیروهای ترقیخواه جهان خواست که به روشن شدن سر نوشت مایدرنا کمک کنند. آنتونیو مایدرنا، همراه با یک رهبر دیگر حزب کمونیست پاراگوئه، در ۲۷ اوت، بطور مرموزی در بوئنوس آیرس ربوده شد. فدراسیون سندیکائی جهانی در تلگرامی از رئیس جمهور آرژانتین و کورتوالدهایم خواست که به روشن شدن سر نوشت رهبران حزب کمونیست پاراگوئه کمک کنند.

خبرنگار نامه مردم، که در جشن سی و پنجمین سالگرد انتشار روزنامه صدای خلق، ارگسان حزب کمونیست اطریش، شرکت کرده بود، در فرصتی که بدست آمد، مصاحبه کوتاهی با رفیق فرانتس موری، صدر حزب کمونیست اطریش انجام داد، که در زیر می‌خوانید.

کسب قدرت سیاسی

«برنامه استراتژیک حزب کمونیست بدست گرفتن قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر است. برنامه حزب کمونیست اطریش با این سطر آغاز میشود: ما برای عقیده هستیم که بدون قدرت طبقه کارگر، بوجود آوردن یک سیستم سوسیالیستی غیرممکن است.»

اما برنامه روز سیاسی حزب کمونیست اطریش، در این لحظه معین تاریخی جامعه اطریش، بر سه خواست عمده استوار است: اول- مبارزه برای بهتر کردن زندگی زحمتکش.

مهمترین چیز در این زمینه، حفظ محل کار برای کارگران و جلوگیری از بیکار شدن آنهاست. میدانید که بیکاری از عوارض سیستم سرمایه‌داری است و بویژه در دوران‌های بحرانی سرمایه - داری، بیکاری بصورت یک مشکل بزرگ برای کارگران درمی‌آید.

حزب کمونیست اطریش یک برنامه ۱۰ ماده‌ای برای مقابله با این وضع دارد. یکی از مسود مستحکم تر شدن هر چه بیشتر روابط اقتصادی اطریش با کشورهای سوسیالیستی است. در حال حاضر اطریش کمترین تعداد بیکاران را در میان کشورهای سرمایه‌داری دارد و علت آن این امر است که کارخانه‌های زیادی در اطریش به تولید کالاهای سفارشی کشور های سوسیالیستی مشغولند. ماده

رفیق فرانتس موری، صدر حزب کمونیست اطریش در مصاحبه با

نامه مردم:

حزب کمونیست اطریش عمیقاً از انقلاب ایران دفاع می‌کند

سفر کرایسکی به ایران، در چارچوب وحدت نظر با آمریکا، برای ترمز کردن انقلاب ایران بود.

مهم دیگر درخواست برای ادامه سیاست دولتی کردن کارخانه‌های بزرگ اطریش است. در حال حاضر اطریش بزرگ اطریش است. در حال حاضر اطریش بزرگ اطریش است. در حال حاضر اطریش بزرگ اطریش است.

است. در حال حاضر تنها ۱۴ درصد کسانی که در مدارس اطریش تحصیل می‌کنند، فرزندان زحمتکش هستند. این رقم در دانشگاهها به یک درصد میرسد. اکثریت مطلق کسانی را که در اطریش، بویژه در دانشگاهها، تحصیل می‌کنند، فرزندان سرمایه‌داران تشکیل میدهند. حزب کمونیست اطریش برای تغییر این وضع می‌کوشد. افزایش حقوق دموکراتیک زنان تاحد مردان، افزایش دموکراسی در محل کار برای شرکت‌دندان کارگران و کارمندان جزء در اداره امور نیز در چارچوب دفاع از حقوق دموکراتیک زحمتکش قرار دارد.

«خواست سوم، مبارزه برای حفظ صلح جهانی است. حفظ صلح جهانی یک کشور بی-طرف است. ما قاطعانه و بی‌گردد از

دولت می‌خواهیم که علیه برنامه‌های ناتو مبارزه کند. نیروهای امپریالیستی می‌کوشند تا با تبلیغات خود وانمود کنند که از طرف شوروی خطر اروپا را تهدید میکنند. اما نیروهای مترقی اطریش می‌دانند که نه تنها از طرف اتحاد شوروی خطری نیست، بلکه این کشور بطور مداوم برای صلح و تسخیر زودانی فعالیت میکند و در این زمینه پیشنهاد های گوناگونی داده است.

حزب کمونیست اطریش می‌کوشد که برای رسیدن به اهداف بالا جبهه‌ای از نیروهای مترقی اطریش بوجود بیاورد. تاکنون هم در موارد معینی موفق بوده است. از جمله می‌توان از تظاهرات متحد حزب کمونیست با سوسیالیست‌ها (افراد، نه احزاب) علیه فاشیست‌ها یاد کرد. چندی پیش نیز، وقتی هیج دولتی حاضر نشد به رژیم جنایتکار شیلی تانک بفرستد، دولت اطریش، که ظاهراً بیطرف است، می‌خواست به شیلی تانک بفرستد و با این کشور قرارداد همکاری با حزب کمونیست تظاهرات وسیعی با شرکت نیروهای مترقی برگزار شد، و دولت زیر فشار این نیروها مجبور شد آن قرارداد را لغو کند. ایس یک پیروزی بزرگ برای حزب کمونیست بود.

نقش سوسیالیسم در امری

خبرنگار نامه مردم پرسید: «نقش سوسیالیسم دموکراسی و رهبری فعلی آن، یعنی پروتو - کرایسکی را در اجرای نقشه‌های امپریالیسم چگونه ارزیابی میکنید؟ رفیق موری جواب داد: «سوسیالیسم دموکرات‌ها تا زمانی که شاه سابق در ایران حاکم بود، با همه جنایات او و پادشاه نه تنها مخالف نبودند، بلکه با او همکاری

داشتند. در حال حاضر سوسیالیسم دموکراسی نمی‌خواهد انقلاب ضد امپریالیستی ایران ادامه بیداد این همان خواست مشترک سوسیالیسم دموکراسی و امپریالیسم آمریکاست و در این زمینه با هم فعالیت می‌کنند، تا انقلاب ایران را ترمز کنند. آنها میخواهند در ایران یک سیستم بورژوازی لیبرال روی کار بیاید، که با امپریالیسم مخالفت و مبارزه نداشته باشد. در چارچوب این سیاست است که کرایسکی به ایران آمد. اما باید توجه داشت که سوسیالیسم دموکرات‌ها هم می‌کوشند در کشورهای در حال رشد جای پای خود باز کنند و به قدرت خویش بیفزایند. کرایسکی، که یکی از دوستان خوب آمریکاست، از فعالین درجه اول همین سیاست است.»

دفاع از انقلاب ایران

سؤال آخر خبرنگار نامه مردم درباره نظر حزب کمونیست اطریش درباره انقلاب ایران بود. رفیق فرانتس موری جواب داد:

«انقلاب ایران یک انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی است و رژیم ایران برهبری آیت‌الله خمینی در جهت تغییرات کیفی عمیق در جامعه ایران فعالیت می‌کند. ما عمیقاً به این مواضع احترام می‌گذاریم. حزب کمونیست اطریش از انقلاب ایران عمیقاً دفاع میکند و می‌کوشد حقایق جامعه ایران را به مردم اطریش معرفی کند. ما برای انقلاب ضد امپریالیستی ایران ارزش زیادی قائل هستیم و آنرا حمایت و تقویت می‌کنیم. اینرا هم بگوئیم که ما مخالف هر گونه فشار به حزب توده ایران، که سالیان دراز در صف اول مبارزه با شاه و امپریالیسم قرار داشته و دارد، هستیم.»

هشدار به مسئولان! هشدار به روشنفکران!

برخی از کادرهای تحصیلکرده و متخصص را برکنار ساخته‌اند. این هشدار است به مسئولان که رماندن این گروه بسود انقلاب نیست.

اما هشدار دیگر ما به همین بخش از روشنفکران و صاحبان تخصص است که در دام ضدانقلاب تفتند. انقلاب هنوز فرصت نیافته که در سرامت مستقیم عدالت، بدون انحراف پیشروی کند. ارنه شوم پهلوی، توطئه امپریالیسم، فعالیت ضدانقلاب و گاه حتی خطا و اشتباه و بی‌تجربگی دوستان انقلاب موجب شده است که اینجا و آنجا برخی زیاده‌رویها و بی‌عدالتی‌ها بروز کند، و این مسیر طبیعی هر انقلابی است. همه آنست که هدف اصلی انقلاب از نظر دور نیندند و فریعات فدای اصل نشود. در انقلاب ما هدف عمده ریشه کن ساختن نفوذ امپریالیسم در همه ابعاد آن، تامین استقلال کشور و استقرار حاکمیت خلق است. در راه تحقق این هدف مقدس باید همه دشواریها را بجان خرید، بی‌عدالتی‌ها را نادیده گرفت، صبر و تحمل انقلابی داشت، مصلحت کشور و انقلاب را مافوق مصالح شخصی و خانوادگی و گروهی قرار داد. مصلحت کشور و انقلاب حکم می‌کند، تخصصی که با پول زحمتکش محروم بدست آمده، در خدمت همین مردم محروم بکار آید، ولو آنکه صاحب تخصص پاداشی درخور نیابد و مجبور به انصراف از برخی امتیازات شود.

اگر قرار است که کشوری مستقل و متکی بخود و مردمی آزاد و رها از بند نواستعمار داشته باشیم - که باید داشته باشیم - روشنفکران ما باید نه روشنفکری بی‌تحمل و کم‌طاعت و زودرنج، بلکه میسرین‌سناری استوار و پایرجا باشند، که دست در دست کارگر و دهقان، انقلاب راهسوی پیروزی نهایی راهبر شوند.

با انقلاب موضعی بینایی دارند. ضدانقلاب نیستند، اگر چه در پاسداری از دستاوردهای انقلاب از اینار و فداکاری سرشار نباشند. اگر دستبائی ناراضی‌تراشی نکنند و اقداماتی، آگاهانه یا ناآگاهانه، در سمت رماندن آنان از انقلاب صورت نگیرد، در کنار انقلاب، اگر نه شتابان، ولی با گامهای آهسته‌آهسته خواهند سپرد و عملی بر ضد انقلاب انجام خواهند داد. در اینجا است که مسئله گزینش میان تخصص و ایمان صدق‌عملی پیدا نمی‌کند، زیرا این گروه در عین داشتن تخصص، فاقد ایمان نیست. بنابراین وظیفه همه انقلابیون صدیقی که تحقق اهداف انقلاب را اصل می‌دانند، آنست که در حفظ و ارشاد این گروه از روشنفکران کوشا باشند، زیرا که نه مملکت از تخصص و اندیشگی و مهارت‌های آنان بی‌نیاز است و نه آنان در برابر انقلاب موضع گرفته‌اند، که نیازی به دفع آنها از بیکر انقلاب باشد.

متأسفانه اقدامات آگاهانه و یا ناآگاهانه‌ای در دوران کوتاه پس از پیروزی انجام شده، که هر روز بر شمار روشنفکران ناراضی افزوده است. ضدانقلاب گوشیده است و میکوشد تا با سوء استفاده از برخی زیاده‌رویها، روشنفکران را بدبین سازد و با ترسیم تصویری تاریک و مبهم و نادلیدیر از آینده، آنانرا به ترک کشور و سفر به بهشت موعود (!) تشویق کند.

شدن انقلاب در تب و تاب است که در کنار همه توطئه‌گریهای خود علیه انقلاب، یا شایعه‌سازی، ناراضی - تراشی و سوء استفاده از برخی واقعیتها، روشنفکران و صاحبان تخصص را از انقلاب جدا سازد و آنانرا ترغیب به ترک کشور کند.

جای لطمه‌ای تردید نیست که اگر روشنفکر و متخصصی دشمن انقلاب است، همان بهتر که کشور انقلابی ما را ترک و پدلمان بیکانگان امپریالیست پناه جوید، زیرا در اینجا مسئله ایمان و تخصص مطرح است، که اولی بر دومی بدون هیچ تردید مرجح است. اما چنانکه بدیهی است، روشنفکران و تحصیل‌کردگان قشر همگونی نیستند. بخشی از آنان منشأ در طبقات مرفه و ممتاز، یعنی سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ دارند، که با پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی جای خود را در کشورهای آمریکا و اروپای غربی یافتند و به صفوف ضدانقلاب پیوستند. اما بخش دیگری از آنان برخاسته از میان اقشار متوسط جامعه‌اند، که توان همبائی با انقلاب را تا مسافتی دور دارا هستند و اگر تجدید تربیت شوند و آموزش انقلابی ببینند، در اکثریت خود به صفوف خلق خواهند پیوست و تا پیروزی نهائی، انقلاب را همگامی خواهند کرد.

اینان سرمایه‌داری کشورند. سرمایه‌ای که با خون دل کارگر و اشک دیده دهقان به کف آمده است. تربیت هر یزشک، هر مهندس و هر فیزیکدان میلیون‌ها تومان هزینه دارد، که از جیب کارگر و دهقان و پیشه‌ور پرداخت شده است. انقلاب برای پیشبرد اهداف خود به حفظ این سرمایه‌ها نیازمند است و نمی‌تواند به آسانی خود را در استفاده از این مغزهای پربار، بی‌نیاز نشان دهد. این گروه از روشنفکران و متخصصین در برخورد

دریافت می‌کرد و یا اصلاً بخاطر بن‌بست پسرورگراتیک، دستوری دریافت نمی‌کرد. سولیوان اضافه کرده است: «آمریکا از اینکه در نقشه‌های آخر، غیر قابل اجتناب بودن انقلاب ایران را نپذیرفت، اشتباه کرده است.» سولیوان در پاسخ به درخواست دولت آمریکا در مورد ادامه حمایت از بختیار، به دولت اطلاع داد بود: «بختیار یک مجسمه است که شاه برای عزیمت محترمانه خود علم کرده است.» سولیوان نوشته است که روی کار آمدن دولت بازرگان با پیش - بینی دوام قیل وی (منظور قیل از پیروزی انقلاب است) مطابقت داشت. سولیوان پیشنهاد کرده بود که

سفیر سابق آمریکا در ایران به مداخلات امریکادر ایران اعتراف می‌کند

تلفنی از برژینسکی دریافت کرد، که در آن وی از وی خواسته شده بود که ترتیب یک کودتای نظامی را بدهد. بنوشته سولیوان، در نوامبر ۱۹۷۸، دو ماه قبل از فرار شاه از ایران، برژینسکی شروع به تعقیب سیاست خاص خود در ایران کرد و «سفارت - خانه ویژه خود را در ایران بوجود آورد. بدین ترتیب بود که اردشیر زاهدی نقش سفارتخانه برژینسکی

سولیوان، سفیر سابق آمریکا در تهران، طی مقاله‌ای در نشریه سیاست خارجی، بطور سریع به مداخلات آمریکا در امور داخلی ایران اعتراف کرد و از نقش برژینسکی پرده برداشت. او همچنین سخنرانی معروف «بازرگان را در تلویزیون منبری بر تماشای آمریکا تایید کرده است. مقاله ویلیام سولیوان، نقش شریانه برژینسکی، مشاور امنیتی کارتر، را در شکل دادن به سیاست آمریکا در مورد انقلاب ۱۳۵۷ ایران روشن می‌کند. این مقاله بطور روشن نشان می‌دهد که این سیاست - شکل - های مختلف مداخله آمریکا در امور داخلی ایران و از جمله سازمان دادن یک کودتای نظامی را در بر

# بزرگترین وظیفه دولت، اجرای قانون اساسی، خونبهای دهها هزار شهید، است

## \* آقای نخست‌وزیر: اگر بتوانیم آنرا (قانون اساسی) پیاده کنیم، باید قبول کنیم که بیشترین موفقیتها را بدست آورده‌ایم. \* اولین جلسه بحث و بررسی برنامه دولت، با حضور عده‌ای از وزراء انجام گرفت.

جلسه علنی دیروز مجلس، ساعت ۸:۴۰، به ریاست حجت‌الاسلام رفیعی تشکیل شد. در ابتدای جلسه، حجت‌الاسلام رفیعی، ضمن اشاره به سالگرد شهادت مجاهد کبیر آیت‌الله طالقانی، از جمله گفت: «ملت ما و انقلاب ما خودش را مرهون زحمات و رنجهایی که این مرد بزرگ متحمل شده است می‌داند. من مطمئنم که نمایندگان مجلس این اجازه را به من میدهند که مراتب قدردانی و سپاسگزاری را از زحمات این مرد بزرگ اعلام کنم و به حضور خانواده محترم وی تسلیت بگویم.»

وی آنگاه به سوءتصدد نافرمانی به حجت‌الاسلام خلیلی اشاره کرد و ضمن ابراز خشنودی از شکست این توطئه، از حجت‌الاسلام خلیلی بعنوان فردی که «سخت» مورد «بفشی و کینه دشمنان» است، نام برد. آنگاه آقای رجائی، نخست‌وزیر مطالب خود را درباره کابینه بیان کرد. وی ضمن اشاره به مشکلات و مسئولیت بزرگی که بدوش دولت جدید گذاشته شده است از جمله گفت:

«در شرایط مسئولیتی می‌پذیریم که تصور حجم مسئولیت برای خیلی از هموطنان ما مشکل است... جمله معروفی است که می‌گویند: کسانی که امروز مسئولیتی می‌پذیرند، یا عاشقند یا دیوانه...»  
وی سپس از نمایندگان خواست که بحث روی شخصیت وزیران در جلسه غیرعلنی صورت گیرد. تقاضای وی به تصویب نمایندگان رسید و مجلس از ساعت ۹:۳۰ در یک جلسه خصوصی، به کار خود، یعنی بحث درباره شخصیت وزراء، ادامه داد.

ادامه جلسه علنی از ساعت ۱۲ آغاز شد. ابتدا رفیعی بعنوان اولین مخالف برنامه دولت پشت تریبون قرار گرفت. وی ضمن اشاره به تبلیغات نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی در سطح جهان علیه دولت آقای رجائی گفت:

«مخالفت ما مخالفت آنجانی نیست و حتی مخالفت آن کسانی هم که خواب کشوری مانند کشورهای اروپایی می‌بینند، نیست.»

وی افزود: «باید فقط تکیه کنیم به این که توده‌ها پشت‌سر ما هستند. تاریخ نشان‌دهنده... که بعزت فقدان برنامه و مشی مناسب و درخور اهداف ره بجایی نخواهیم برد... باید دید در خط‌مشی چه نقاطی برای کابینه مطرح است. زمان بندی لازم چقدر است؟ و سرانجام نیروها و کادرهایی که می‌خواهند از آن برای اجرای برنامه استفاده شود، کدامند؟»

رفیعی سپس ضمن اشاره به ماده‌هایی از برنامه دولت، آنرا موافق قانون اساسی دانست ولی عدم زمان بندی مشخص و راه روشن برای اجرای آنرا را در برنامه دولت، جزو نقاط ضعف شمرد. وی در پایان سخنانش انقلاب ما را در مرحله ضداستعماری دانست و گفت: «انقلاب ما اینک در مرحله ضداستعماری است، که برآب بالاتر از مرحله ضد استعماری است.»

سپس محمدتقی بهار تریبون بعنوان موافق برنامه دولت سخن گفت. وی بخش اعظم سخنانش را به پاسخگویی به نماینده مخالف اختصاص داد و از جمله گفت: «این برنامه طبق گفته خود شما منطبق بر قانون اساسی است. این درواقع مدح برنامه است. اگر غیراین بود، اشکال داشت. بزرگترین

وظیفه دولت اجرای قانون اساسی، خونبهای دهها هزار شهید است، و هر روز که کوچکترین تخطی از قانون اساسی کرد... باید بازخواست شود.»

وی با اشاره به سخنان رفیعی، نماینده مخالف، درباره کادرهای لازم برای اجرای برنامه گفت:

«همان نیروی انسانی که امام در خارج از کشور با کمک آنها انقلاب را به ثمر رساند، مگر کجا رفته؟ این نیروی انسانی، تا زمانی که این دولت در خط امام است و نه در حرف، بلکه عملاً ثابت کند... این نیروی کارآمد، فداکار و جانناز انسانی پشت‌سر رجائی خواهد بود...»

ساعت ۱ بعد از ظهر جلسه مجلس تعطیل شد و ادامه بررسی برنامه دولت به ساعت ۲:۳۰ موکول شد.

در ادامه جلسه، محمد محمدی، بعنوان دومین مخالف، ضمن اشاره به برنامه کابینه آقای رجائی، در مورد گروهها و احزاب سیاسی از جمله گفت:

«من تصورم اینست که اسلام و قانون اساسی چنین اجازه‌ای را نمی‌دهند.»

وی سپس بطور مشروح در اینمورد سخن گفت و خواهان تعریف دقیق و معیار لازم برای سنجش «خط همه جانبه امام»، که در برنامه دولت قید شده است، شد.

سپس باغلی، دومین موافق برنامه دولت، ضمن سخنانی، موارد مخالفت آقای محمدی را تشریح کرد و به آنها پاسخ گفت. وی ضمن تأیید برنامه دولت اظهار امیدواری کرد که این برنامه‌ها از طرف دولت با جدیت اجرا شود.

در پایان جلسه دیروز، طبق آئین‌نامه، آقای رجائی برای توضیح اشکالاتی که نمایندگان به برنامه گرفتند و نیز پاسخ پرسش‌نمایندگان پشت تریبون قرار گرفت. وی از جمله گفت:

«هیچ دولتی نمی‌آید بگوید که فلان برنامه را در عرض این مدت و با این کیفیت انجام میدهم، بلکه هدفهای خود را اعلام می‌کند...»

نخست‌وزیر افزود: «قانون اساسی ما در دوران هیچ‌یک از انقلابی جامعه تدوین شده و به کلیات... اکتفا نکرده است. در اصل دوم و سوم قانون اساسی ۱۶ نکته ذکر شده است که دولت باید رعایت کند و این یکی از خصوصیات مثبت است که هر دولتی که سر کار می‌آید، باید این ۱۶ اصل را رعایت کند... الان یکی از مشکلات جمهوری اسلامی پیاده کردن همین قانون اساسی است و اگر بتوانیم آنرا پیاده کنیم، باید قبول کنیم که بیشترین موفقیتها را بدست آورده‌ایم...»

آقای رجائی در قسمت دیگر از سخنان خود، درباره سخنان بعضی از نمایندگان درباره اطاعت و یا انتقاد از امام خمینی گفت:

«انتقاد از امام، آنچه در ملاء عام، دقیقاً تصعیف امام است، چون می‌توان انتقادات خود را بطور خصوصی با امام مطرح کرد. و من از هر عملی، به هر نحوی که در جهت تصعیف امام باشد، آگاهانه جلوگیری می‌کنم و با آن مبارزه می‌کنم...»

جلسه علنی دیروز مجلس ساعت ۵ بعد از ظهر پایان یافت و ادامه بررسی برنامه دولت به جلسه امروز (چهارشنبه ۱۹ شهریور ۵۹) ساعت ۸ صبح موکول شد.

### وحدت بخاطر...

بقیه از صفحه ۹

دهها هزار شهید گلگون کفن، از برای خاک سیاهی که بر مزارشان ریخته‌اند، نظاره گر و نگراند که، آنانکه بقوت امواج خونبهای پاک و بیدریغ آنان مدارج ترقی را پیموده و برمسند حکومت و دولت جمهوری اسلامی ایران نشسته‌اند، احترام‌خون آفتاب‌چگونه میدارند، و از درختی که با خون سرخ آنان آبیاری شده، یمی از جمهوری اسلامی ایران، چگونه پاسداری میکنند.

هیچ فرد مومن به انقلاب و دلسوز جمهوری اسلامی ایران نباید تسلیم خوشحیالی و بی‌غفلت و یا غرور گردد. باید همیشه و در همه حال متحد و منسجم و مجبزه و مسلح، در یک صف واحد، در پشت سر امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران آماده نبرد علیه دشمنان جمهوری اسلامی ایران ایستاد.

چهبسا انقلابها، که در نتیجه غفلت و تفرقه و گسرتاری مسئولان در چنگال مسائل غیر اصولی و فرعی برآشوب ناکامی افتاده و در خون هزاران هزار انسان بیگناه غرق گشته است. چه‌بسا پیروزیهای بزرگ، که به

علا، رسوخ روح بیلیداپلیس نفاق و تفرقه به شکست تلخ و خونین انجامیده است.  
انقلاب شکوهمند ایران نه تنها بزرگترین رویداد سراسر تاریخ ایران تا با امروز است، بلکه در میان انقلابهای ضدستم و ضد برادگی در سرتاسر جهان جای والای مخصوص بخود رادارد. این انقلاب در یکی از حساسترین مناطق جهان مواضع امپریالیسم خونخوار را درهم کوبیده و کلیه حسابهای غارتگرانه و تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا را برهم زده است. امپریالیسم شکست‌خورده، نه امروز و نه تا روزی که ما با کار خلاق انقلابی خود یک ثبات مستحکم خلقی در کشور خود بوجود بیاورده‌ایم، از کشور ما و انقلاب ما دست‌برنخواهد داشت. باید لحظه‌ای از یاد نبرد که تاروی که در کشور ما یک ثبات مایوس‌کننده امپریالیسم بوجود نیامده، ما در معرض انواع توطئه‌های امپریالیسم و عمال داخلی آن قرار خواهیم داشت. روزی که ما این واقعیت را فراموش کنیم و پی مسائل فرعی برویم و احياناً به تصفیه حسابهای خصوصی و تنگ‌نظریهای گروهی بپردازیم، روزی است که باید رنگ‌خطر ما بسند درآیند و ندای وجدان انقلابی برمسئولان امر نیب زند.

باید هر فردی، در هر مقامی که قرار دارد، عملاً اثبات کند که او لایق چنین مقامی است و سزاوار افتخاری است که تاریخ و انقلاب نصیب وی کرده است. و این اثبات نمی‌شود، مگر از طریق کنار گذاشتن کلیه مسائل فرعی و غیر اصولی و عمل متحد و یکدل و یکزبان برای حل مسائل اصولی و عمده و تعیین کننده انقلاب. حزب توده ایران با درک خطراتی که از پیدایش نقاط ضعف در ارکان وحدت انقلاب ناشی میشود، از همه مسئولان و زمامداران کشور میخواهد که با در دست گرفتن شعارشهادت، یعنی «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی»، کلیه مطالب فرعی و غیر اصولی را کنار بگذارند و وحدت معجزه‌آفرین نیروهای انقلابی را چون مردمک دیده از هرگز نندی مصون بدارند. آنانکه در توسعه شکافها و تشدید اختلافها میکوشند، عملاً آب به آسیاب ضدانقلاب و امپریالیسم خونخوار آمریکا میریزند. توده‌ایها - این مبارزان فداکار راه نجات خلق و مبین، تحکیم وحدت و یکپارچگی در صفوف انقلاب و نهادهای انقلاب و حکومت و دولت انقلاب را از صمیم قلب آرزو میکنند و در این راه، که یگانه راه پیروزی حق بر باطل

نامه مردم  
ارگان مرکزی حزب توده ایران  
دارنده امتیاز  
و مدیر مسئول:  
منوچهر بهزادی  
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸  
(دفتر نامه مردم)  
هنوز در اختیار  
نامه مردم نیست  
NAMEH  
MARDOM  
No. 329  
10 September 1980  
Price:  
West-Germany 0.80 DM  
France 2 Fr.  
Austria 8 Sch.  
England 20 P.  
Belgium 10 Fr.  
Italy 350 L.  
U.S.A. 40 Cts  
Sweden 1.50 Skr.

### شوخی نیست...!

## یک خبر... خنده‌دار

خبر زیر در روزنامه‌ها چاپ و انتشار یافته است: «خبرگزاری پارس به نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس از توکیو - یک خبرنگار ژاپنی دیروز از پاکستان گزارش داد، تشریفات مینی بر اعتراض به تجاوز شوروی به خاک افغانستان، میان سربازان انزلی از اوکراین به این کشور توزیع شده است. روزنامه آساشی شیمبون، که روزنامه مستقل و پرتیراژ ژاپن است، خاطرنشان ساخت، یکی از تشریفات در کابل، هنگامی که عده‌ای سربازان روسی در حال انتقال از پشاور بودند، بدست آمد و بعداً توسط یکی از سازمانهای چریکی افغانستان، که مرکزش در پشاور است، به پاکستان انتقال یافت. روزنامه می‌نویسد، طبق اظهارات چریکهای افغان جزوه مذکور... الا آخر.»

مثل اینکه «خبر» کمی «کلپیچ» است و نیاز به تشریح دارد. ولی قبل از تشریح آن، به جاست از خبرگزاری پارس تشکر بعمل آید که، از تهران تا توکیو، بدنبال آسوشیتدپرس دیده، تا این خبر ذیقیمت آسوشیتدپرس، که آسوشیتدپرس از یک خبرنگار ژاپنی و خبرنگار ژاپنی از اظهارات چریکهای افغانی در پاکستان نقل کرده، کم نشود.

خبر (از شکل گزارش معلوم است) کاملاً موثق است و هیچ ساختگی نیست. وقتی خبرنگار ژاپن مینویسد که خبر را از چریک افغانی در پاکستان شنیده و وقتی این خبر توسط روزنامه آساشی شیمبون (که روزنامه مستقل و پرتیراژ ژاپنی است) چاپ شود و وقتی آسوشیتدپرس، که آنهم خبرگزاری مستقل و پرمشتری و بخصوص راست‌گو و حقیقت‌پرووری است، این خبر را نقل کرده باشد، و وقتی خبرگزاری خودمان هم آنرا به نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس پخش میکند، معلوم است که خبر ساختگی نیست، و اگر کمی «کلپیچ» است، فقط نیاز به مختصر توضیحی دارد.

تنها اشکالی که خبر (یا تشریح آن) دارد، اینست که اولاً معلوم نیست که، سربازان روسی در پشاور، که در پاکستان است، چه می‌کردند، و ثانیاً معلوم نیست که، چه ربطی بین بدست آمدن تشریح در کابل و انتقال سربازان روسی از پشاور وجود دارد؟

از طرف دیگر، در گزارشی که خبرنگار، به نقل از گفته چریک افغانی، در روزنامه آساشی شیمبون، به نقل از گفته خبرنگار، و آسوشیتدپرس به نقل از آساشی شیمبون، و خبرگزاری پارس به نقل از آسوشیتدپرس، و روزنامه‌های صبح و عصر تهران به نقل از خبرگزاری پارس، آورده‌اند، با صراحت نوشته شده است:

«یکی از این تشریفات در کابل هنگامیکه عده‌ای از سربازان روسی در حال انتقال از پشاور بودند، بدست آمد.» خلاصه چاره‌ای نیست. باید قبول کرد که تشریح ضد برزنف، در کابل پایتخت افغانستان کشف شده، آنهم به هنگامیکه سربازان روسی از پشاور، که در پاکستان واقع است، به نقطه نامعلومی منتقل میشده‌اند.

خبر بدینسان از دو بخش تشکیل شده: یکی خبر کشف تشریح بزبان روسی و اوکراینی بر ضد برزنف (که در آخر آن گفته شده: «بیانید امپریالیسم شوروی را نابود سازم.») و یکی هم خبر انتقال سربازان روسی از پشاور. راز ارتباط بین این دو خبر همانقدر قابل کشف نیست، که راز چگونگی حضور سربازان شوروی در پشاور (پاکستان) ولی نه، رازی در بین نیست. از دیر زمان گفته‌اند که، دروغگو کم‌حافظه است و یا دروغ از دو پا می‌لنگد.

چرا خبرگزاری پارس و چرا روزنامه‌های صبح و عصر تهران، به نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس این دروغ واضح را چاپ کرده‌اند، و حتی توجه نکرده‌اند که پشاور در پاکستان است و سربازان روسی در پشاور وجود ندارند، تا از آنجا بتوانند منتقل شوند؟

برای اینکه در تبلیغات مربوط به حوادث افغانستان، کور کورانه یا در جای پای خبرگزاریهای دروغ‌ساز و دروغ-پرداز امپریالیستی گذارده‌اند. والا با چشم باز و کمترین دقت، این دروغ آشکار و مصحک تکرار نمیشد.

است، از هیچ کوششی دریغ نخواهند ورزید. ما که این انقلاب و این جمهوری اسلامی ایران را بزرگترین دستاورد تاریخ چندین هزار ساله مبین خود میدانیم، با تمام وجود و امکانات خود و تا آخرین نفس از همین انقلاب و همین جمهوری دفاع کرده‌ایم و خواهیم کرد، و یقین داریم کلیه کسانی که دردمین و رنج خلق بلاکشیده ایران را درک میکنند، از همین راه خواهند رفت.

پس باتکیه بر وجدان انقلابی خود و امید ملیونها مردم چشم‌براه ایران، و با احترام بخون پاک هزاران شهید قهرمان، دست به دست هم بدهیم، آستین‌ها را بالا زنیم، کوه اشکالات کمرشکن را، که از رژیم شاه ملعون بارش مانده، از دوش مردم برداریم، جمهوری جوان خود را استحکام بخشیم و بدینا نشان دهیم که لیاقت‌وراثت خون و بیام شهیدانمان را داریم.

## برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود